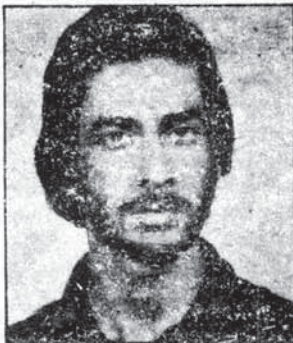


انفجار انبار را هساری گیسرا ن بیش از صد ها کشته و مجروح از بین زحمتکشان ما برجای گذاشت. در جا مع طبقاتی، این کارگران و زحمتکشان هستند که از خون و عرقشان زندگی بهشت و ارباب سر ما پیدا ران فراهم میشود و با زحمتکشان هستند که تا وان مسامحه کار ریا و لایقیدیهی سرما پیداران را با جان خود میپردازند. مسامحه کار ریا ثنی که دقیقاً از گرسش سرما پیداران نسبت به جان کارگران و بی ارزش دانستن آن ناشی میشود.

ما این ضایعه را به طبقه کارگران و به خانواده های آن زحمتکشان تسلیم میگوئیم و برای نابودی هرگونه ستمی از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تا پای جان مبارزه میکنیم. این پیمان ماست.

پیکارگران قهرمان رفقا: مسعود صالحی ران و طیب نجم الدینی



بدست رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند

زنده باد پیکار توده ها!

فستهای از اعلامیه سازمان دربار ترور جنا پیکاران رفقای پیکارگر
مسعود صالحی را دو طیب نجم الدینی :
نقشه در صفحه ۹

رزمندگان و

مسئله روزنیو نیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی
(قسمت دوم)
صفحه ۱۷

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۲ صفحه پاسخ به نامه ها
- ۱۱ صفحه دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه
- ۵ صفحه شهدای خلق در قلب زحمتکشان زنده اند
- ۴ صفحه مبارزه و بیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی
- ۱۶ صفحه مراسم بزرگداشت یاد رفقای شهید مسعود صالحی ران و طیب نجم الدینی

موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

رفسنجانی،
امپریالیستهای غرب و ژاپن
رابه اتحاد در برابر کمونیسم
دعوت کرد

از قدیم گفته اند: "یکو با کیستم تا یکو با کیستی". کیهان ۲۸ مرداد از قول رفسنجانی، رئیس "مجلس شورای اسلامی" نقل میکند که وی در ملاقات با سفیرای کشورهای ایسلا، بلژیک، هلند و ژاپن آنها را به اتحاد در برابر کمونیسم فرا خوانده است. این که جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواستار سرهم خوردن و منلاشی شدن نظام امپریالیستی جهانی نیست بلکه در صفحه ۴

با تعیین رجائی به نخست وزیری حزب جمهوری اسلامی یک کام دیگر در کسب قدرت بیشتر به جلوسها دودر مقابل "لیبرالها" و منجمله بنی مدریک گام دیگر در برابر حریف قدر و پر قدرت خویش به عقب نشینی و ادا شدند. اکنون بنی مدریک تمام هایبوی و تا کتیکها پیش نه آستانه مرحله ایفای نقش میرسد که آیت با سعادت بهر حزب جمهوری اسلامی دروا را مشهور عنوان نموده است. یعنی نقش اجرا کننده اهداف و ادالها و افتتاح مکاتباها! بموارات این قدرت گیری تر و تر حزب جمهوری اسلامی خط سرکوب که خط حزب است در برابر خط سرکوب و رفرم (ویا "جماعتی و نان شیرینی") "لیبرالها" نقشه در صفحه ۸

تعطیل کردن

دانشگاهها، خدمت به
امپریالیسم است

دانشگاه سگرا آزادی، علیرغم خواست ارتجاع پیوسته در دل خود دانشجو را انقلابی و مترقی را می پروراند. دانشگاه همواره از اهل ترین و مهمترین کانون های مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع و دیکتاتوری بوده است. مردم مین ماطی سالها حاکمیت رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه، شاهد مبارزات خونین و انقلابی دانشجویان با رژیم شاه بوده اند. این مبارزات که حول دفاع از منافع توده های زحمتکش انجام میگرفت، توانست در روند ویرانه خود پیوند محکمی بین دانشجو و توده های زحمتکش برقرار کند. به همین خاطر هم برای دانشجویان و هم برای کارگران و زحمتکشان ما، دانشگاه پیوسته سگرا آزادی و آزادی و مرکز آکا هی نقشه در صفحه ۲

با چشم باز در آغوش خونین کردستان:

(خاطرات یک سرباز)

صفحه ۵

امپریالیسم در

گرداب بحران اقتصادی

لهستان:

رشد مبارزه طبقانی و

رسوایی روزنیو نیسم!

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دونکنه کوتاه

۱- رسانه‌های گروهی دولتی یکپخته است که سیاست ضد فلسطینی رژیم را بر صحنه می‌نمایند. توجه کرده‌اید که دولت غاصب و تجار و گروهبانان فلسطینی را از "روز قدس" به بعد "دولت اشغالگر قدس" مینامند.

آقایان! خلق فلسطین برای سرزمین اش که قدس یکی از شهرهای آن است جنگیده و می‌جنگد. اگر برای آزادی فلسطین کاری نمی‌کنید (و نخواهید کرد) لااقل در کارهای خرابکاری نکنید!

زنبور دشت بی مروت را گوی

۲- باری چو عمل نمیدی نیش زون!
فکر میکنید چرا قطب زاده، این پوروزها چپ و راست ناهیه‌های "علاظ و دند" به شوروی و عراق می‌فرستد و برای آنها خط و نشان می‌کشد؟!

محکوم بودن سیاست شوروی و عراق از نظر توده‌های زحمتکشان ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن جای خود را در دلی مومعگیری قطب زاده، اما برای "خوبه" کردن پیش حزب جمهوری اسلامی است که با اصطلاح زمام‌کارها را در دست گرفته است، بلکه و همچنان در دست وزارت باقی می‌ماند. موضع فدشوروی قطب زاده هرگز به طریقی استقلال طلبانه‌ای در آن نیست بلکه از سیاست دلجوئی از آمریکا با پیدا نمت!

بقیه از صفحه ۷

دست طبقه کارگران و حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و بر علیه طبقه کارگران است. این بورژوازی حاکم بر لاهستان است که بنا به طبقه کارگران و بنا به سوسیالیسم کمر بسته و طبقه کارگران را بوی سوسالیسم بسته است. این رویزونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتورهای بورژوازی را اعمال می‌کنند. این بورژوازی حاکم بر لاهستان است که اکنون به طریقی طبقه کارگران را دست به لشکرکشی بر علیه اعتبار بین زده است.

رویدادهای اخیر لاهستان علاوه بر اینکه به نگر مفاد و امت طبقه کارگران در برابر سرمایه و دشمنی آنست - تا پذیرش با بورژوازی است. در عین حال هشدار است برای آن دسته از نیروهای مادی جنبش کمونیستی ایران که مرز بندی روشنی با رویزونیسم سوسیالیسم امپریالیسم پیدا نکرده‌اند. ما رکیسم لنینیسم را یک طرف و رویزونیسم را طرف دیگر در نظر می‌گیریم. ما رکیسم لنینیسم و رویزونیسم را دو سویی وجود ندارد. با پیدا ما رکیسم لنینیسم بود و بر علیه بورژوازی و با رویزونیسم بود و بر علیه طبقه کارگران. ما سوسیالیسم وجود ندارد!

با زنگش آن به مبارزه همه جا به ریزند و در جهت خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلابی رژیم حاکم قاطعانه مبارزه کنند.

به پیش در جهت فتح دوباره دانشگاه،
این سنگ را آزادی!

انقلابی و کمونیست مسئول است برای مدت محدود و یا محدودی از کار را ندارد. رژیم دانا به تعطیلی می‌کشد بنا بر این به استحکام سیستم آموزشی ضد انقلابی خود فرهنگ ارتجاعی و سوسده را بر دانا نگاه می‌کند کرداند. بورژوازی بنا به مقتضیات و منافع طبقاتی خود، در پی آن است تا آنجا که عناصری را در دانا نگاه می‌رواند که آنها هم از نظر ایدئولوژی و پیش منطبق رژیم باشند و هم بتوانند گردش سیستم ارتجاعی مورد نیاز رژیم به داری وابسته را به عهده بگیرند. تحقق این بر بنا به می‌تواند انجام بگیرد، مگر با تصفیه و اخراج دانشجویان، اساتدان و از بین بردن دیگر نهادهای انقلابی در دانشگاه از یکسو، و ضدیت با افکار علمی و انقلابی از سوی دیگر.

اما آیا رژیم خواهد توانست بر این اهداف ارتجاعی خود را به عمل بی‌نواشت؟ بنظر ما خیر. ارتجاع درهای دانشگاه را می‌بندد تا از انتشار روشنفکری و انقلابی و کمونیستی جلوگیری نماید. اما او قادر است که درک نمی‌کند دانشجویان به طریقی که شده خود را به توده‌ها نزدیک می‌کنند. دانشگاه‌ها گریسته دانشجویان انقلابی به کارخانه‌ها، روستاها و محلات توده‌ای می‌روند. وقتی دانشجویان می‌آیند و در دانا نگاه می‌روند، آزادی و آزادیگی تبدیل می‌شوند. کاهی است رژیم درهای دانشگاه را باز کند، خواهیم دید که علمبرغم تمام تشنه‌های ارتجاعی حکومت دانا در جریان سیال مبارزه طبقاتی در دانشگاه جاری می‌شود. با همه سرمایه داری وابسته ایران سرشار از تناقضات و تضادهای رندیا بنده طبقاتی است. از آنجا که مبارزه طبقاتی در دل جامعه جاری دارد این مبارزه در میان دانشجویان به شکل خاص ترین قشر روستا و شهرها، دانشگاه‌ها و بلافاصله دانشگاه‌ها منتهی می‌شود. رژیم می‌خواهد مبارزه طبقاتی را در دانشگاه خفه کند اما او به نظر که نمی‌تواند جلوی مبارزات توده‌ها را در اجتماع بگیرد، بنا بر این از سرکوب مبارزات دانشگاه نیز می‌باشد. دانشگاه همواره یکی از پایه‌های جنبش انقلابی خلقها در ایران و در سرانجه‌ها بوده‌است. - دانشجویان به بر این علمبرغم توطئه‌های رنگارنگ، از کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی در اوایل اردیبهشت و تعطیل دانشگاه و تصفیه عناصر انقلابی از آن گرفته تا تدوین برنا به برای تأمین حاکمیت فرهنگ و پیش ارتجاعی و عقب مانده خود در مراکز آموزشی رژیم نخواهد توانست دانشگاه را تحت سطره خود درآورد و گریزی نخواهد داشت جز توسل به سرکوب و وحشیانه مداوم و حاکم گردانیدن اختناق پلیسی در دانشگاه در جهت سرکوب جنبش دانشجویی. در این حالت نیز با بدگفت، همانگونه که رژیم‌ها نتوانست با گسیل داشتن ارتش و ساواک و شهرهای، جنبش انقلابی دانشجویان را از رهبری، رژیم جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست با توسل به حربه زور و دسیسه‌های متعدد تحت عناوینی از قبیل "انقلاب فرهنگی" جنبش دانش - جوئی را به شکست بکشاند. پس دانشگاه همواره سنگر آزادی و آزادیگی، آزادی و آزادیگی و آزادیگی بخشی مانده‌ها می‌باشد. و اکنون که رژیم جمهوری اسلامی، تصمیم به تعطیل این سنگر، و خاموش کردن دانشمندان انقلابی آن گرفته است و طبقه دانشجویان انقلابی سوز و گریه می‌کنند و توده‌های دانشگاه است که متحداً برای

بقیه از صفحه ۱

تعطیل

و آزادی بخشی بوده‌است. بدستی می‌توان گفت که چه قبل از قیام و چه بعد از آن دانشگاه همواره یکی از مراکز مهم فعالیتها و کارهای نه‌نیروهای انقلابی و کمونیست در جهت دفاع از منافع زحمتکشان میهن ما و افشاکاری بر علیه نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی بوده است و تا ما این فعالیتها نیز خود در خدمت تجدید و تحکیم پیوند بین نیروهای انقلابی و سوز و گریه نیستیم با زحمتکشان قرار داشته است. اکنون سیستم رژیم جمهوری اسلامی جراد دانشگاه را به تعطیلی می‌کشد؟

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال با صلاح انقلاب فرهنگی اش که به شهادت دهها تن و زخمی و زندانی شدن صدها تن از دانشجویان انقلابی بدست مزدورانش انجام می‌دهد، ارتجاعی گسترده به دانشگاه و هدف راندن آن می‌کند:

۱- حمله به دفا تر نیروهای انقلابی و مترقی، جلوگیری از فعالیتها و کارهای افشاکارانه آنها، و تضعیف و از هم گسستن پیوند بین نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش.

بورش خونین و وحشیانه با داران ارتجاع و اوباش و قداره‌بندان جمهوری اسلامی در اوایل اردیبهشت اولین قسمت از سراسری ضد مردمی تا تخلیه انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی بود. همزمان با بودن این بورش با تدارک حمله مجدد رژیم به گردن دانشمندان میدان که جمهوری اسلامی تمام حاکمیت خود را به خلقها و آزادیها و دمکراتیک را در دستور کار خود قرار داده است. چه سبب وجود این آزادیها بود که دانشگاه همواره یکبار جنبش خلقها و سوز و گریه کرد و توده‌های زحمتکش ایران و افشاکاری علیه رژیم از یکسو، و حمایت و پشتیبانی همه جانبه نیروهای انقلابی بخصوص کمونیستها از مبارزات توده‌های زحمتکش و انکسار و انتقال تجارب و دستاوردهای آن از سوی دیگر بود. این وضعیت نمی‌توانست برای رژیم قابل تحمل باشد. چرا که لازم بود رژیم برای سرکوب و کشتار مجدد خلق کرد و دیگر خلقها دانشگاه این سنگر آزادی را مورد بورش قرار دهد تا صدای حق طلبانه و مبارزات عادلانه خلق کرد به گوش دیگر خلقها و توده‌های زحمتکش آگاه نشود. آری رژیم برای اینکه دانشگاه را بطور کامل تحت تسلط و کنترل خود درآورد، دانشگاه را به خاک و خون کشید، دهها تن از دانشجویان انقلابی را در دانشگاه و خارج از آن، به شهادت رساند و صدها تن از آنها را در زندانهای آریا مهری، محبوس ساخت تا بخش اول "انقلاب فرهنگی" و در حقیقت ضد انقلاب فرهنگی اش را با موفقیت به پایان رساند.

۲- تعطیل کردن دانشگاهها، در جهت تصفیه عناصر انقلابی و مترقی و تأمین حاکمیت فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده در آنجا.

بدینا ل بورش وحشیانه به دانشگاهها، اکنون رژیم برای اینکه بتواند دانشگاهها، این قلب پر تپش انقلاب را از دانشجویان آگاه و انقلابی تهی سازد اقدام به تعطیل آن نموده است. بدون شک تعطیل کردن این گان مایه مبارزه با امپریالیسم توسط رژیم نمیتواند تدبیر همیشه در تپش آنرا که در وجود دانشجویان

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



تخصن کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان

چندی پیش شهرداری مسجد سلیمان اعلام کرد که: "کلیه کسانی که دارای برگ یا بان خدمت نیستند اخراج خواهند شد". علیرغم اینکه کارگران مبارز شهرداری را بطه با اطلاعیه مذکور چند روز دست به تخصن زده و از خود مقاومت نشان دادند، ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند. هنوز مدت کوتاهی از اخراج ۸۰ کارگر جوان و زحمتکش نگذشته بود که سه به شوم ارتجاع بر زندگی بقیه کارگران شهرداری نیز با به گسترده و سیکوروش شهرداری مزدور مسجد سلیمان طی بخشنامه مورخ ۵۹/۵/۶ اعلام کرد: "کلیه کارهای عمرانی اعم از ساختمانی و غیره تعطیل اعلام می گردد، چنانچه کارکنان فوق به کار خود ادامه دهند شهرداری هیچ گونه تعهدی در مورد پرداخت دستمزد آنان نخواهد داشت". کارگران شهرداری بی اعتنا به حکم صادر شده به سرکار خود رفتند و روز پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶ با همان مقدار رمالی که داشتند کار کردند، اما در این روز به علت تمام شدن مصالح ناگزیر دست از کار کشیدند. در ضمن در این مدت تعدادی از کارگران با تهیه پلاکارد و حمل آن در شهر دست به آفشاگری زدند. روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ حدود ۴۵۰ نفر از کارگران قسمتهای عمرانی و ساختمانی در زمین چمن شهرداری گردگویی گلیسری واقع شده بطور پهنه وقت متحصن شدند. (از ساعت ۱۲/۵ - ۸ یعنی در وقت اداری) کارگران در محل تخصن، پلاکاردهایی نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را بیان می کرد در خلال تخصن کارگران مبارز با اختراعی و توضیح خواهشهای سرق خود و دادن شمار توطئه های دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی را افشا کرده و روحیه مقاومت جویانه خود را بلامی بردند.

برخی از شعارهای آنها عبارت بود از:

- ۱ - کارگر اخراجی بر سر کار سابق ابقا باید گردد.
- ۲ - ماده ۳۴ الف باید گردد.
- ۳ - کارگاه را این آست شعار بیکار.
- ۴ - با زوری هر کارگرستون انقلاب است.
- ۵ - اخراجی کارگران بزرگترین گناه است.

کارگران مبارز را روز چهارشنبه ۵۹/۵/۲۲ به تخصن نیمه وقت خود ادامه داده اند و آن پس احتمال زیاد به تخصن تمام وقت منتهی است. در رابطه با اخراج این کارگران مبارز، هواداران سازمان در مسجد سلیمان اعلامیه ای منتشر کرده اند که در قسمتهای آن آمده است:

"یکسال و نیم از حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و در طول این مدت رهبران جمهوری اسلامی که کاری جز سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز

ایران نکرده اند، هم اکنون خود را با خنجر روزافزون توده های زحمتکش و اعتراضات حق طلبانه و فزاینده آنها روبرو می بینند. این خائنین بخلق بجای حل مشکلات و نایبانیهای جامعه (...، گرانی، بیکاری، بی مسکنی و فقر و سیاه روزی زحمتکشان) از آنجا شیکه نه می خواهند می توانند باین جرایمها مقابله کنند تا گریز هر روز دست به توطئه جدیدی برای مقابله با زحمتکشان بیاخته می زنند. ... آری سران جمهوری اسلامی برای حفظ و نگهداری این سیستم پوسیده (سیستم کثیف و سرمایه داری وابسته و نجات حکومت ارتجاعی خویش دست به هر کاری از قبیل اخراج، سرکوب و دستگیری کارگران مبارز می زنند. اینک در سراسر ایران کارگران بسیاری اخراج شده و با معرض اخراج فرار گرفته اند. نمونه اش ۱۸۰۰ نفر کارگر مبارز شرکت "سیرسیون" مسجد سلیمان ۴۵۰ نفر کارگران "پارود" آغا جاری ۴۰۰ نفر کارگر شرکت "ری وکیلادیسیمان" سوسنر، اخراج کارگران مبارز صنایع فولاد اواز، اخراج کارگران مبارز ماشین سازی "تیریزو" ...

کارگران مبارز شهرداری

رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون توطئه اخراج دسته جمعی شمارا با مراعات اعلام کرده است و با این اقدام ضد انسانی خویش میخواهد ۱۲۰۰ خاوند را بی خانمان کرده و بیوسی گرسنگی و فقر (بیشتر) بکشد. شما اگر چه در طی یکسال گذشته مبارزات ارزنده ای داشته و مانع پیاپی شدن طرحهای خائسانه رژیم ندیده، اما به دلیل پراکندگی و نداشتن یک تشکیلات آهنگین و انقلابی ضربات متعددی نیز خورده اید، بهای برای تنه را میبارید و با این تصمیم ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی اتحادیکبار شما را بجا دیک شوری واقعی کارگری است که بتواند مبارزات بحق شما را پیش ببرد و این توطئه شوم را درهم شکند. پس باید کوششها را بشدت تر کرد و صفوف خود را با تخصن، نظا هرات و ... توطئه های نتگین هیئت حاکمه را افشا و خنثی ساخت.

کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی

ما ضمن محکوم کردن توطئه ضد کارگری اخراج ۱۲۰۰ زحمتکش که بدستور دولت جمهوری اسلامی توسط مقامات شهرداری مسجد سلیمان پیاپی شده، اعلام میداریم که دوش بدوش کارگران از خواستها و مبارزات عادلانه آنها با طمأنینه حمایت و پشتیبانی کرده و از همه مردم مبارز و نیروهای انقلابی نیز میخواهیم چنین کنند.

پیروزی با اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه میریالیسم و ارتجاع داخلی

وحشت رژیم از کارگران آگاه و مبارز بافت بلوچ

بدنبال برنامهای سراسری رژیم جمهوری اسلامی برای نابود کردن شوراها و واقعی کارگران در کارخانجات، دستگیری و تنقیه کارگران مبارز و آگاه در تاریخ سه شنبه ۵۹/۵/۱۵ فرماندار انتی چند از روسای ادارای و انتظامی ایرانشهر به کارخانه بافت بلوچ میروند تا به سفارش رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل انجمن اسلامی در این کارخانه بپردازند. البته عناصر این انجمن قبلا توسط شیخ نوری، سپاه پاسداران و جها دسازندگی انتخاب شده اند، این افراد معلوم الحال دارای سابقه جاسوسی، خیرچینی و پاسداری در سپاه پاسداران هستند و حتی در توطئه ترور "دکتر حسین بر" مشارکت داشته اند. کارگران در مقابل خواسته ضد انقلابی فرماندار مبنی بر انحلال شوراهای مقاومت می نمایند و به فرماندار میگویند چون نیستی از کارگران به مرخصی رفته اند، باید تصمیمی شای را همه کارگران خود در این مورد اتخاذ نمایند. فرماندار در ضمن سخنانش به زمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر حمله میکند و خواستار معرفی کسانی که شریک بیکار و رونی بلوچ را بخت میکنند، میگردد. کارگران مبارز و آگاه بافت بلوچ به درخواستها و تبلیغات دروغین او توجهی نمیکند و مانع تحقق توطئه های شوم رژیم برای از بین بردن شوری واقعی کارگران میشوند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از اینکه کارگران آگاه شوند، متذکرند و به مبارزه بر علیه نظام غارتگرانه سرمایه داری وابسته خود حمله می نمایند و با این دست بزنند، وحشت و هراس دارد. رژیم میخواهد کارگران در زیر سیتم و استبداد روحشانه سرمایه داران دم فرو بندند و سختی بر زبان خاوردند. رژیم میخواهد بجای معیارهای طبقاتی، کارگران را رودر روی هم قرار دهد.

رژیم میخواهد این فکر را در ذهن کارگران افشا نماید که گوشتی جا میماند به سراسر سرمایه داران و کارگر بلکه سراسر کفر و اسلامپا شده، رژیم میخواهد کارگران را از مبارزه بر علیه میریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بدارد.

رژیمی که به سرکوب زحمتکشان، نابودی شوراها و واقعی کارگران، کشتار دانشگها، بمباران خلقها میپردازد، نمیتواند در نیمخواهد کوچکترین قدمی در راه منافع اساسی زحمتکشان و ستمدیدگان مبین مبارز دارد. رژیم جمهوری اسلامی رسالت تاریخی خود را با زاری و ترمیم نظام سرمایه داری وابسته فریبده از مبارزات توده ها قرار داده است، بهر قیمتی میخواهد جلوی جنبش را بدماند، انقلاب را خفه کند و سلطه سرمایه میریالیستی را تحکیم نماید. کارگران آگاه و مبارز باید با هیئت ضد خلقی رژیم برای توده کارگران با زبانی ساده بیان نمایند. باید از توطئه های ضد کارگری رژیم برای منحل ساختن تشکیلات

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کارگران مبارز کنف کار، رمضانیه نماینده مجلس از گیلان را از کارخانه بیرون انداختند

جندی پیش زمانی نماینده مجلس از گیلان برای سمپاشی و تحریک کارگران به کارخانه کنف کار می‌رفت و در سخنرانی خود ضمن اینکه علیه شوراهای بدگوشی می‌پرداخت، ساعت ۴۰۰ در دره هفته را با خطر "مبارزه با امپریالیسم" را درست دانسته و از کارگران می‌خواست که بیشتر کار کنند، رمضانیه قبل از آنکه بعنوان نماینده انتخاب شود، در سخنرانیها پیش برای زخمی کردن وعده های زیادی میداد که چنین وعده ها را نمی‌کرد. پس از سخنرانی نماینده گیلان در کارخانه، یکی از اعضای شورانچان او را در مقابل کارگران افشا می‌کرد که کارگران وی را با خوارگی از کارخانه بیرون می‌اندازند آنان حتی می‌خواستند او را بزنند که اعضای شورانچان مانع می‌شوند.

بدنبال این جریان هیات به اصطلاح با کسری به کارخانه مدعو و پرونده چند نفر را بیرون می‌کشند آنها را اخراج نمایند اما به علت حمایت گسترده کارگران اردوستان مبارزان، عقب نشینی می‌کنند. در این رابطه یکی از اعضای مبارز شورانچانم کریمیان برای بازگشت به نیروی خود را می‌فرستد اما به لحاظ حمایت کارگران از او به زودی آزادی می‌گردد. بعد از این جریان مدیر عامل کارخانه به بخش نامه ای ۴۰۰ ساعت کار در هفته را لغو و شورانچان را محفل اعلام می‌کند. با اعتراض کارگران به این بخش نامه

و دخالت عده ای اوباش در کارخانه درگیری بوجود می‌آید و طی آن یکی از عناصر مزدور آسیب دیده و در بیمارستان بستری می‌شود. در بیمارستان همپا لگی - هایش از وی می‌خواهند که علیه کریمیان نمايشنامه نمايشگاه را بزنند تا بگویند، آنکه ما این توطئه نمايشنامه مذکور را دستگیر می‌نمایند. حسینی رئیس هیات با کسری درست ما ندرمان شاه که به هیات نامه ای می‌دهد "بازای عناصر مزدور زهر پاشیده سازی می‌شود، به آنها موبهین به شورای انقلاب برای کریمیان پیرونده سازی می‌کنند. کارگران به عنوان اعتراض به دستگیری نماینده مبارزان ایندا تولید را کم کرده و سپس دست به اعتصاب همگانی زده و خواستار آزادی بدون قید و شرط اومی - شوند.

در همین رابطه، حسینی کارگران را تهدید کرده که در صورت ادامه اعتصاب، آنها را اخراج کرده و کارگران "ملمان" را بجای آنان استخدام می‌کند. کارگران مبارز کنف کار هم اعلام کردند که هیچ کس اجازه ورود به کارخانه را نخواهند داد، مگر اینکه همه آنها را بکشند!

مبارزه کارگران کنف کار برای آزادی نماینده شان بطوریکه راجه داده می‌دارد. هر چه مستحکمتر با دستاوردین کارگران

مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی

بدنبال مبارزات قبلی کارگران گروه صنعتی کفش ملی (این گروه صنعتی از نزدیک به ۲۲ شرکت تشکیل شده است) برای گرفتن حق تولید، حق سنگینی کار و... مدیریت دولتی بین ۵ تا ۱۵ تومان بعنوان حق سنگینی کار به مزایای این کارگران اضافه کرده است. کارگران مبارز شرکت های استاندار، هوفمن، گابور، یونا بند و... اعلام کرده اند که مبلغ اضافه شده با بد از اول فروردین ماه ۵۹ پرداخت شود. بر اثر فشار کارگران مدیریت دولتی به خواست آنان گردن نهاده و حق سنگینی کار را (با احتساب آن از فروردین ماه) در تاریخ ۵۹/۵/۱۵ به کارگران پرداخت می‌نماید خواست دیگر کارگران یکماه تعطیلات سالانه (بدون حساب نمودن روزهای تعطیل) بود. آنها استدلال می‌کردند که: "اگر کارخانه دولتی است باید ما هم مانند

واقعی و خلق سلاح ها حتی کارگران پرده بردارند و مگر با بد از طریق نشان سازند که هر چه ارتجاع بتواند در تفرعات خود موافقت شود و حمایت کارگران را محدود تر با زبرداری نابودی و سرکوب کامل آنها جری تسری میشود و زنجیر بردگی و مزدوری را برپا بنام محکمتر می‌بندد.

(نقل به اختصار از نشر دیلوج، شماره ۴۶ ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان)



رفسنجانی...

نیست بلکه خواستار اتحاد آنها با یکدیگر است و خود را در کنار آنها می‌بیند، و برای مقابله با خطر مشترک دعوت به اتحاد می‌نماید و از آنها استمداد میکند ماهیت این رژیم را بشناسیم تا بفهمیم که ما هستیم که ما در معالات و نوشته های متعدد نشان داده ایم که ضد ما نیستیم نیست بلکه ارتجاعی است، ما هستیم که منجر به کشتن به بازاری نظام سرمایه داری وابسته در ایران شده است.

سخن رفسنجانی بیخود تمام، ما هست شعارها و رشتنهای "فدا میرا لیستی" رژیم جمهوری اسلامی را انشا میکند. رژیم جمهوری اسلامی بدرستی خود را در صف کشورهای سرمایه داری می‌بیند، از کمونیسم که دشمنترین دشمنان سرمایه داری است وحشت می‌کند. بنیادگذاران سوسیالیسم علمی، مارکس و انگلس در اولین جمله از مانیفست نوشتند:

"تهدیه در اروپا در گذشت و گذار است - شیخ کمونیسم همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ محدوده اند: بی‌پ و ترار، مترنیخ و گیزو، رادیکالهای فرا سوسیالیست آلمان". هم اکنون حقیقت فوق به سران ریحان تعمیم یافته است. شیخ کمونیسم سران جمهوری اسلامی به وحشت انداخته است و آنان را رفسنجانی دست اقتصاد بسوی امپریالیستهای آلمانی، ایتالیایی، و ژاپنی دراز میکند البته در نتیجه مبارزات طبقه کارگر در سران ریحان، کمونیسم هم دیگر گریخت نیست، حقیقت است و به همین لحاظ است که سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی که بر مواضع فدا میرا لیستی پای می - نشینند اینچنین در دستور امپریالیستها و وابستگان آنها قرار گرفته است.

شاه شاه در آخرین روزهای پیش در آستانه مرگ فریاد می‌کشید که "کمونیستها را بکشید!" (پیکار ۴۰۰) و سرمداران امپریالیسم آمریکا با راه، علیرغم شرکاب بین ایران و آمریکا، ریاضت خاطر خود را از آسودگی اسلام در برابر کمونیسم در منطقه خسته می‌شود و باز کرده اند. اینک دستگاه های تبلیغاتی و سیاسی و پلیسی نظامی جمهوری اسلامی لیه تیز حمله خود را متوجه کمونیستها کرده اند و از هیچ فرصتی برای سرکوب آنها غفلت نمی‌کنند. دقیقاً از ما هست سرمایه داری و وفادار کارگری نظام جمهوری اسلامی ما به میگیرد.

کمونیستها دشمن شماره یک سرمایه داری در هر شکل آن هستند. کمونیستها برای رها کردن کارگران و دیگر زحمتکشان و کل انسانها مبارزه می‌کنند، کمو - نیست که سرمایه داری هستند و به همین دلیل است که سرمایه داران و امپریالیستها از هیچ کوششی برای سرکوب کمونیستها دریغ نمی‌ورزند.

اینکه آقای رفسنجانی از امپریالیستهای اروپا - شی و ژاپنی ملت ما می‌خواهد که در برابر خطر کمونیسم متحد شوند جای خود را در صف مقابل کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی تعمیم می‌کند. این را با بهره جریا ز ترور و شکنجه برای شوه - هاشی که از سر تا آگای، قریب شعارهای فدا میرا لیستی رژیم جمهوری اسلامی را خورده اند توضیح داد.

★ ★ ★

با تمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!



با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز:

از يك ستون شصت و نهمی كه برای آغاز جنگ دوم به كردستان اعزام شدند، تنها دویست نفر توانستند با تحمل صدمات بی شمار به پا دگان بازگردند. چهارصد نفر بقیه كشته، دستگیر و یا زخمی شدند. یکی از دویست نفری كه به پا دگان بازگشت، سرباز جوانی است كه ما نند بسیار از سربازان میهن ما بدون آنكه خود بخواد به جبار و روائه جبهه جنگ با خلق دلاور كرد شده بود (۱) این سرباز جوان، هنگ ما ز - گشت، دفترچه خاطراتش را با خود به همراه آورده است. او در این دفترچه زندگی روزانه خود را در جبهه به تحریر درآورده است. سطور این دفترچه كوچك كه در آن گاه كلمات به معنا کی تحریر شده است، به ما نند رشتہ رگیها کی است كه زندگی در آن گرم و سرشار از سیلان دارد. هرگاه این رشتہ را در دست گیریم مرتعش میشویم و نبض زندگی را تند و تیز و پر طبع احساس می كنیم. از لابلای سطور این دفترچه كه در آن حقایق روزمره جبهه در كردستان نگاه شده است تصویرهای سرباز جوان سربزمی - آورده كه خود را دل مردم به رخا سته و لسی نظام سرمای به داری وابسته و هیبت خاكه مدخلی آن را به مثابه مهره ای به جنگ با برادران خویش می كشاند و اجبار می - كند. تصویر خلق كرد سربزمی آورده كه همانه و ارمی جنگ قهرمانانه زندگی می - كند. و شجاعانه شهید می شود. آنگاه - نا هدم كه چگونه این مبارزه تا شیر خود را بر سرباز جوان كه خود در زندگی استقامتی می گذارد، نوشتن این دفتر خاطرات حتی میتوانست به قیمت تیرباران شدن این سرباز زتاما شود اما خودش می گوید: "این كمترین كاری است كه من نسبت به وظیفه ام در راه ما بودی ظلم و ستم انجام داده ام. خون من، در برابر خلقی كه آن چنان قهرمانانه در مقابل دشمنان خلق به پا خاسته و با خون خودنها لهای ملخ و خوشبختی بشر را تیار می كند، چه

ارزشی میتوان داد؟ آنگاه "بدینگونه خطوط دفترچه خاطرات این رفیق سرباز از ستایش این مبارزه غا دلاورانه سرشار می - گردد و بغیر از چنین جنگی را فریب دمی زند. این دفترچه خاطرات دیگر، تنها زندگی یک سرباز در جبهه نیست. چنانسی است با زو هوشیا ركه با آن میتوان واقعیات جنگ كردستان را به روشنی دید. دهانی است كه با مداتی را با يك برمی آورد: "سرا نجام پیروزی از آن خلقها ست!" بدینسان از لابلای سطور دفترچه كوچك، آفتاب زندگی بخش مبارزه می - تابانده و انسان را گرم می كند، سیاه شد رشتہ این موسیقی پر طبعش را در دست گیریم و آن را در هریک از رشتہ های آن، عشق، كینه، نفرت، نگاه دلننگی و مملال گوش كنیم:

دفترچه كوچك را باز میكنیم. در صفحه اول، تصویری میبینیم كه مانند شطرنج خانه خانه است و هریک از چهار خانه ها علامت فریدر خورده است. در كنار صفحه نوشته شده: هریک از این علامتها نما یا نكر ۱۵ روز است.

بر صفحه شطرنجی گذشت روزها كه حده گویا روزها تر رفیق سرباز زسكن می - گذشته است. گویا هر روز كه می گذشته، يك زندگی بر او سپری می شده است.

اونمی دانسته كه فردا هم زنده خواهد ماند یا نه. اما می خواسته است كه این دفترچه بماند. در صفحه دوم دفترچه لاله ای نقاشی شده و دزكنا ر آن این خطوط به چشم میخورد: اگر من كشته شوم، ایسن دفترچه را به آدرس خانه ام در... برسانید آری، رفیق سرباز می خواسته تا آنجا كه میتواند حقایق جنگ مدخلی در كردستان، واقعیات مبارزه دلاورانه خلق كرد در راه آزادی و استقلال ایران، و حقانیت مبارزه قهرمانانه این خلق به پا خاسته را بگوش مردم برساند. ای پكایین ادعا نا مه حقانیت خلق كرد است كه پیش روی ما ست:

★ ★ ★

دوشنبه ۱۸ فروردین ماه: اینجا كرمانشاه است. هوا خوب است. آفتاب بهاری بگرمی، مبتابند. از خواب كه بیدار می شوم، آفتابی در آسمان نگاهدارد. خبرهای جنگ دهن به دهن كشته و جها از وضع منطقه خبردار شده اند. روحه سربازها سخت دگرگون است. بعد از خوردن صبحانه در با نكگاه پا دگان، با رفقاییم به شهر رفیم. شهر هم از آمدن گردان ما با خبر شده است. مردمان چنان با زما را می با شیدند، چندان از بچه ها را در راه دیدیم و تصمیم گرفتیم به دانشگاه برویم تا از وضع منطقه به تریا خبر شویم. وارد دانشگاه شدیم. دانشجویان چریا را رفیم و اطراف ما جمع شدند. برخوردشان با ما نالی بود. در باره وضع منطقه گفتند و این كه چگونه ارتش، به بهانه ما شور و سیاه استفاده از جنگ مدعرا قی كردستان را می - كوید. و بسیاران می كند.

چند نفر به آژانها گرفتیم و به شهر آمدیم. یکی از بچه ها لباس كودی خرید به شوخی می گفت: "برای فرار است!"

★★★

دوشنبه ۱۹ فروردین: ساعت ۷/۵ صبح با سروهای بچه ها از خواب بیدار شدم. هر كس در حال جمع كردن كیسه خواب خود بود. آسمان نگاه سرمای نامطوبی داشت. سیاه دآوردم كه در حال اعزام به جبهه جنگ كردستان، هشتیم سرمای نامطوبی چندیرا بر ندوبه استخوانها بمرسد.

در میدان منگاه، بچه ها جمع شده بودند. فرماده گردان سخنرانی می كرد. همدیبا یی اعتنایی آنكارا نسناده بودند و فقط چشمشان در آنجا بود. فرماده گردان حرف می زد: من هم چرتی از شما هستم!...

با بدخواستن به فرماندهی (۲) پیش از این نامه ای از این سرباز با عنوان "من تلک نمیکم" در پیکار و شماره ۵۳ آمده است.

شهدای خلق در قلب زحمتکشان زنده اند

شهدای انقلاب دموکراتیک - صد امیربا لیستی میهن ما كه چه درسا لیا ی سیه گذشته و با پس از قیام بدست اربابعیون بقدرت رسیده، برخاك افتاده شدند. از خاطره زحمتكشان ما فرا موش شدنی نیستند هفته اول شهریور سال مضاد است با اولین سالگرد شهدا در قفا سعید و علی میرنكاری، كاك حسین میرنكاری، "لاله" عضو كمیته، كاك بیدی فولادی، مظفر رحیمی، ناسرلیمی، عطااله زندی، عیسی پیر - ولی، علی اصغر مصیری، جمیل یخچا نسی، وفادشان شهید علی احسن با همدو شوربا رانها به دوطه پورت، اكبری و كساک فزادسلطانی (عضو كمیته) و سنجمن سالگرد شهدا در رفیق شهید رفعت افراز و ششسین سالگرد شهدا در مجاهد شهید محمود سامخی و دوازدهمین سال شهادت معلم انقلابی و نویسنده زحمتكشان صد بهرگی و بسا روساری دیگر، چون شهدای خلق هرگز نمی خنك، بلكه میجوشد.

دستورات او باشد... بچه ها روحیه شان با نندین خیر - های از مبارزات چنانچه مردم كردستان دگرگون بود. كوشی در وجود پنهان خود به حقانیت هدف خلق كرد كه مبارزه می - كند. و پیودگی هدفی كه خود بسوی آن می رفتند، بی برده بودند. وقتی كه در سخنرانی گفتند كه ممكن است (۱) به مرز عراق برویم و با عراق جنگیم روحیه بچه ها کی بالا رفت. یکی از سربازها می گفت: در مرز مستقیما با دشمنان خود می جنگیم، اما در كردستان با برادر - های خودمان می جنگیم. اگر به مرز برویم و جدا نمائیم راحت تر است. هم در این دنیا و هم در آن دنیا!



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

www.peykar.org

لهستان: رشد مبارزه طبقاتی و رسوائی روبروئیسم!

اعتمادات سرانری کارگران لهستان که با مطالبات اقتصادی آغاز شد، با یک رنگ سیاسی بخود گرفته است. بیش از ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی از ۲۶۰ کارخانه و کارگاهها طرفداری از ابتدای تریس حقوق خود به مبارزه برخاسته و در روی روبروئیسمهای حاکم، که با طبقات کارگران را زخون طبقه کارگر تغذیه می کنند، ایستاده اند. ۱۰۰۰ تن از ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی که از ریشتهایی دیگر اقشار مردم (دانشجویان، معلمان دانش آموزان، کارمندان و...) نیز برخودارند، خواهان آزادی بیان، تشکیل اتحادیه های کارگری آزاد، آزادی زندانیان سیاسی و... هستند و مذاکرات آنان با دولت و حزب ناکون به نتیجه رسیده است. شاید این امر برای آن دسته از جریانی که تحت تاثیر تبلیغات مسموم کننده سوسیال امپریالیسم شوروی و نوگاران سوسیالیست های روبروئیست نیست، تا اینگونه کشورها را با ملاحظ سوسیالیستی میدانند، شگفت آور باشد! آخر مگر میشود در یک کشور سوسیالیستی کارگران نتوانند اتحادیه های خود را بوجود آورند؟ مگر میشود در یک کشور سوسیالیستی، خود کارگران در زندانهای "دیکتاتور پرولتاریا" باشند؟ چگونه است که کارگران در لهستان سوسیالیست خواهند آزادی زندانیان سیاسی هستند؟ اولاً چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی کارگران در یک طرف و حزب و دولت در طرف دیگر میز مذاکره نشسته اند؟ چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی روزنامه "کارگر" به طور مخفیانه چاپ و منتشر میشود؟ مگر دولت و دولت کارگری نیست؟ مگر سوسیالیسم حاکمیت طبقه کارگر نیست؟ آری اگر بدینسان و فقط اگر بدینسان پیش رویم برآستی هم که شگفت آور است! پس چگونه میتوان اس پرسشها را توضیح داد؟ حقیقت چیست؟ پس از غلبه روبروئیسم بر حزب و دولت کشورهای بلوک شرق، که تا اواخر دهه ۵۰ برچمدان سوسیالیسم و طبقه کارگر جایش بودند، این کشورها عمل از سر بوغ و بورژوازی جدید را گرفتند. این راه فیهراشی در تمامی کشورهای بلوک شرق، لیکن با سرعتی متفاوت پیمودند. رهبران بلوک شرق، به تدریج از این راه جدا شدند. از راکسیسم، لنینیسم، بیش از این راه بودند. بطوری که یوگسلاوی امروز، حتی از نظر شکل، تشابهات جدایی با کشورهای سرمایه داری غرب ندارد. بحران اقتصادی که بطور ادواری در اینگونه کشورها رخ می نماید، به تدریج به بورژوازی نظام حاکم بر آنها است. بحرانهای سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ در لهستان که اولی به تغییر و تحولی به عقب نشینی دولت بورژوازی انجامید اکنون پس از چهار سال در اسفند گذشته، سر مجدداً برآ شده است.

واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، به قدر

وابسته می باشد. در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشت که تا پایان سال ۷۹ به ۲۰ میلیون رسیده و پیش بینی میشود که در سال ۱۹۸۱ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار افزایش یابد.

یکی از جنبه های اصلی بحران اقتصادی کنونی نورماست. نورم یکی از پراسترس ترین نمودهای سرمایه داری است. افزایش شدید تورم عواقب بسیار وخیمی برای طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و تحت سلطه مستعمرات دارد. از جمله این عواقب افزایش بیکاری و فقر و کاهش قدرت خرید اقشار وسیع زحمتکشان می باشد.

همزمان با رشد تورم، قیمت های اجناس در کشورهای و همچنین بازاریابی المانی بالا می رود. افزایش قیمت اجناس دیگر نیز به تدریج به آنها بلکدیکل روزمره و سرعت سیر صعودی خود را می پیماید. بالا رفتن قیمت های عواقب جدی ای مستقیماً بر روی طبقه کارگر و سوده وسیع زحمتکشان دارد. از جمله اینکه قدرت خرید زحمتکشان را به مقیاس وسیعی پایین آورده و موجبات فقر و افروزی طبقات زحمتکشان را فراهم می آورد. در حال حاضر در اقتصاد کشورهای امپریالیست غرب میانگین تورم به میزان ۱۲٪ میرسد و تنها در آمریکا تورم نسبت به سال قبل ۲۰٪ افزایش یافته است.

فقط در ماه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل سازی آمریکا ۳۵۰۰۰ نفر بیکار شدند بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۷/۸٪ بوده است.

امپریالیسم برای شرکت نمودن بحران بدو ش کارگران و خلقی تحت تسلط شدیداً متضاد طبقه کارگر و بیست غارت و چپاول در کشورهای وابسته دست زده و برای تحقق این هدف، سیاست جنگ طلبانه ای را در پیش میگیرد. بر واضح است که این سیاست امپریالیسم را بر آن میدانند که اقتصاد کشور را هر چه بیشتر متلاطمی (میلیتاریزه) نماید. در این رابطه بودجه نظامی سالها به امپریالیسم خونخوار آمریکا در سال آینده به ۱۲۸/۲ میلیارد دلار میرسد و در سال ۱۹۸۵ این رقم به ۲۵۴/۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنابراین در باره بودجه نظامی گویا بدیگفت که در سال آینده نسبت به سال جاری ۲۰٪ افزایش خواهد داشت. رشد بودجه نظامی به تنهایی به هدف نامی بود هر چه بیشتر و در یک جنگ می باشد، بلکه همچنین سرکوب جنبش ها و انقلاب را تسهیل می نماید.

کشورهای سرمایه داری برای فرار از زیر بار سنگین بحران آسرایه کشورهای تحت سلطه و مستعمرات منتقل میکنند و مستقیماً بدو ش زحمتکشان این کشورها فشار وارد می آورند. ارقام زیر یکی از نمونه های غارتگری امپریالیستی و چپاول منابع طبیعی کشورهای تحت سلطه را نشان می دهد:

۱۴۲ شرکت نفتی و انرژی در سال ۱۹۷۷، تقریباً ۵۱۷ میلیارد دلار سود داشته اند که از این میان ۱۰ بقیه در صفحه ۱۳



امپریالیسم در گرداب بحران اقتصادی

● رشد اقتصاد جهانی در سال جاری به ۱٪ قتل یافته است!

هم اکنون دنیا سرمایه داری با بحران عمیق و وخیم اقتصادی دست به گریبان است این بحران با خود تضادهای متعددی را حمل می کند.

دولتهای بورژوازی برای "حل" این بحران نقشه می کشند، برنامهمیریزند، وعده های دهنده طبقه کارگر کشور خود و خلقهای تحت تسلط را به فداکاری و از خود گذشتگی و صبر بیشتر دعوت میکنند. واقعیت اینست که تنها راه حل این بحران انقلاب اجتماعی است و نقشه ها و "برنامه ها" دزدی را دوا نخواهد کرد بلکه هر چه بیشتر دانه به بحران را گسترش می دهد.

از مشخصات این بحران توسعه و گسترش سریع آن از یک رشتۀ اقتصادی به رشته دیگر، از یک کشور سرمایه داری به کشورهای دیگر و از یک جهان امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات می باشد و تا ما اینها به علت سیستم پیچیده وابستگی و روابط بین کشورها در نظام جهانی سرمایه داریست، که حتی آهنگ رشد تولیدات مشخصات دیگر این بحران است که با عدم بهره برداری کامل از ظرفیت تولیدی همراه است. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ رشد اقتصاد جهانی ۳/۱٪ بود که این رقم در سال جاری به ۱٪ تنزل یافته است. در مورد امپریالیسم غارتگری آمریکا نرخ رشد تولید نسبت به سال قبل ۲/۲٪ کاهش یافته و در همین ارتباط مثلاً فروش اتومبیل در این کشور ۴۰٪ کاهش را نشان می دهد که این رکود اقتصادی به سبب شده فقط در ماه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل سازی آمریکا ۲۵۰۰۰ نفر بیکار شوند. بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده و تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۷/۸٪ بوده است. در بسیاری از کشورهای سرمایه داری تعداد بیکاران افزایش فوق العاده ای یافته و در حال رسیدن به سطح بسیار عظیمی می باشد. در ۲۴ کشور متشکل در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که شامل کشورهای امپریالیستی نظیر آمریکا و کشورهای اروپایی و کشورهای سرمایه داری

تازمانیکه ۳۵٪ بردسازتمزدها فروخته نشده
"سودویژه" گذشته پرداخت باید گردد!

بقیه از صفحه ۱

پیکارگران...

سحرگاه ۱۳ مرداد ۵۹ حدود ساعت ۵ صبح، محله سرخاب تبریز، شاهدیکی از جنایات هولناک عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی بود. دورفیک پیکارگر، مسعود صالحی را در دانشجویان سال ۴ بزرگی تبریز و طبیب نجم الدینی، دانشجویان سال ۳ بزرگی تبریز، از اعضای دانشجویان و دانش آموزان هواداران زمان پیکار در راه آزادی طبیفه کارگر (تبریز) هنگامیکه اعلامیه های سازمان را بدست توده های زحمتکش این محله میرساندند، توسط گشتی های "کمیتها زرسی" و "سپاه پاسداران" تبریز دستگیر میشوند. دوساعت بعد یعنی ساعت ۷ صبح چو پانی چند دوجوان را در نزدیکی جاده اهر - تبریز (کیلومتر ۲ - تبریز) می یابند. در حالیکه ردی که ما شین استیشن یا جیب یعنی از نسوع همان ما شینهای مورد استفاده کمیتها زرسی و سپاه پاسداران در کنار جسد و شهید دیده میشود! چو پانی به اهالی ده نزدیک خبر میدهد و اهالی ده به زاندری... ۳ روز بعد این یاران وفادار زحمتکش پس از انجام تشریفات به اصطلاح قانونی در گورستان "وادی رحمت" تبریز به خاک سپرده میشوند و در دفتر گورستان نوشته میشود: ۲: جنازه مجهول الهویه!... و ما موفق میشویم پس از جستجوی بسیار در آنجا روز جمعه ۲۴ مرداد ماه از کم و کیف این جنایت هولناک آگاهی یابیم.

آری اینچنین ۲ تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق، دو پیکارگر کمونیست بدست ما موری کمیتها و پاسداران ارتجاع به شهادت میرسند. و این چنین ۲ تن دیگر از رفقای ما را با هم را روشناخته تروور - بستی - فاشیستی سر به نیست میکنند. روشی که از مدت ها پیش در مورد انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی بکار میبرد. روشی که با ملاحده حزب جمهوری اسلامی در سپاه پاسداران و کمیتهاها طراحی و به اجرا گذاشته میشود. همچنانکه هموطنان مبارز ما اطلاع دارند ارتجاع با این روش و تاکتیک جنایتکارانه و فاشیستی تا بحال بسیاری از فرزندان انقلابی خلق را ترور کرده است. رفیق پیکارگر را صر توفیقین در اصفهان، چهار رهبر خلق ترکمن، رفقای فدائی: توماج، مخنوم، جرجانی واحدی، کارگر مجاهد نامر محمدی و... و بسیاری از رفقا و مبارزین دیگر همه و همه با همین شیوه فاشیستی و جنایتکارانه به شهادت رسیده اند.

در این میان بنی صدر و دیگر لیبرالها ظاهرا خود را مخالف این روشها نشان میدهند. اما با بیعتی صدر که بعنوان فرمانده کل قوا، مسئولیت تمامی جنایات ارتش فدخلقی و پاسداران ارتجاع را در کردستان و غیره به عهده دار میشوند و خود را تشریفه نمایی؟ یا کسی که در مورد ۴ رهبر خلق ترکمن آشکارا اعلام کرده که "بمنظر من نیز آنها با ایداعا میشوند دولتی نه به این صورت!" اما نمیتوانند مخالف سرکوب انقلابیون باشند! هرگز! و فقط در این باتان مورد در اینجا و آنجا در نوع و در شکل کشتار و سرکوب با دیگران مخالفتها می دارند و در گونه در هدف بهما نگویند که خود نیز گفته است "حزب جمهوری اسلامی" و سازمانها و ارگانهای مسلح تحت نفوذ آن نظیر کمیتها و سپاه پاسداران اختلافی ندارد و "میتاق وحدت" بسته است.

به همین دلیل ما این قبیل جنایات را نه کار با اصطلاح "باندای سپاه" و نه کار با اصطلاح "جناح بد" هیات حاکمه میانه به شیوه ای میداند به طور یکپارچه و سراسری در "کمیتها" و "سپاه پاسداران" و کمیتها

"مبارزه با سازمانهای سیاسی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است (پیکار ۶۲) طراحی و توسط آنان و دیگر مزدوران آنها به مرحله اجرا گذاشته میشود. ما این را سیاسی میدانیم که ارتش فدخلقی از آن در اشکال دیگری در کردستان استفاده میکند، و بنا بر این معتقدیم که هرگونه تحلیل دیگری از قیام با کسه بخشی از رژیم را تشریفه نمایی بدو یا این جنایات را به ارگانهای با اصطلاح "غیر مسئول" نسبت دهد، آگاهانه و یا آگاهانه عملا بر جنايات رژیم جمهوری اسلامی برده می اندازد، و در تشریفه جنایات آنها تلاش میکند. نیروهای که این پورتویست و این تصور از زمین هواداران خود ایجاد میکنند که بیتی مدرا سا با مخالف این روشها است گوشتی نمیتوانند گشتی به کردستان بیا نندازند تا حقایق کوسنده را بر این آشکارا ببینند...

هموطنان مبارز!

اکنون که دوشین دیگر از فرزندان انقلابی خلق به جرم عشق به زحمتکش و به جرم بخش اعلامیه و آگاه کردن خلق قربانی چنین توطئه های ردیانه ای میگردند با زهم بیشتر معلوم میگردند که ارتجاع تا چه حد از آگاهی توده ها را سردار دارد. بر راستی ما در این اعلامیه چه نویسیم که اینچنین مدعیان "عدالت" اسلامی را بر آشفته می سازد؟ ما در این ورقه های آگاهی بخش چه میگوئیم که اینچنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است؟ آیا ما جرحیقت را میگوئیم آیا ما جز در ملاح خلق حرف میزنیم؟...

هموطنان مبارز!

به برکت اعلامیه ها و تشریفات آگاهی بخش که از سوی کمونیستها و نیروهای انقلابی بوده است که امروز توده های بسیاری از بنده توم نیست به مدعیان دروغین رژیم جمهوری اسلامی بیرون آمده اند تجربه آنها نیز حقا نیت ما را ست گوشتی ما و عدم حقا نیست رژیم و دروغ گوشتی و فریبکاری آن را ثابت کرده است... و این است دلیل ددمنشی ارتجاع علیه انقلابیون! آنان از آگاهی توده ها آنچنان هراس دارند که در خانه ای مرتجع اما مجمع نهان، در نماز جمعه می گوید را سندها کسی هاشی که تا به پیش می کنند را با بدما را ت کرد! (بدین ترتیب اوقیل از هر چیز ترس خود رژیم را در رسیدن اخبار انقلابی به گوش مردم نشان میدهد)...

اما ما با تمام قوا در آگاهی خلق، با زهم بیشتر خواهیم کوشید، نه دستگیری و نه شکنجه و نه اعدام و ترور هیچیک ما را از وظایف انقلابی خود با زخا هدا است رژیم شاه را نیز بسیار تلاش کرده که سازمانهای انقلابی را از حرکت باز دارد و دولتی نتوانست و انقلابیون با فدکاری تمام، شبانه و روزانه و اعلامیه ها را بدست خلیق رسانند. و اینک که انقلاب لشکری از فرزندان خلق و جوانان کارگزار زحمتکش و روشنفکران تربیت کرده است، ارتجاع نه با چند مدچرک بلکه با مدها از رفتار زحمتکش و روشنفکران و جوانان انقلابی ما طرف را - با شکه شیکه پیش اعلامیه ها و تشریفات انقلابی را سازمان میدهد! و آنها را علیرغم هر گونه در سری و گاه به قیمت جان نشان بدست خلق میرسانند. آری انقلاب از مسعود صالحی را در اهدا و طبیب نجم الدینی که علیرغم کمی سن، از سال ۵۵ و ۵۶ به بعد علیه رژیم شاه متعهدا به پیکار کرده اند، در قیام مفا لانه شرکت نموده اند و ترس خیر مرا کزا واک (رشت) و در کنار توده ها سیر کرده اند مدها و مدها را زبرور اده است و جوشش

گزارشی...

بقیه از صفحه ۱۶

و ضرب و شتم نیروهای انقلابی و محکوم کردنشان در دادگاههای فرمانی بسنده میگردند. امروز با نزدیک دیدن لحظه مرگشان به شیوه ترور دست میزنند و سعی میکنند با ایجاد جواریب و خفقان فاشیستی جلو حرکات ما را بگیرند. اما چه باک، ما که با توده ها، کارگران، زحمتکش و وپا شهیدانمان مبتاق بسنده ایم که برای بدست آوردن پیروزی نهایی و استغفار جمهوری دمکراتیک خلق از هیچ کوششی فروگذار نمیکنیم. طبیعی است که هذیانها و حرکات محتضرا نه رژیم و پاسداران نشیمنی است ما نمی در جولو حرکت ما با تودما با ردیگر به خون سرخ رفقای شهید مسعود صالحی را در و طبیب نجم الدینی که بوی زرم قهرمانانه کمونیستها را میدهد، به یاد آرمان زحمتکش ما به گرفته است و گوشت میخوریم که راه افتخارشان را تا کسب پیروزی نهایی دنبال می کنیم. ما غمناک ارج نهادن به خا سواده رفقای شهید مسعود صالحی را در و طبیب نجم الدینی که چنین فرزندان مبارزی را در دا من خود پرورده و به پیشگاه خلق و انقلاب اهدا کردند با قلبی سرشار از اندوه و کینه نسبت به دشمنان انقلاب با خا سوادهای این رفقا ابراز همدردی مینمایم و با ردیگر تشفید خود را در پیگیری راه رفقا یادآور میشویم. سازمان پیکار در راه آزادی طبیفه کارگر - کمیتها در باجان - ۵۹/۵/۲۷ این مراسم در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با شعارهای در محکوم کردن غاملان این جنایت بی پایان رسید.

مراسم بزرگداشت یاد رفیق شهید مسعود صالحی را در درشت

بمناسبت ترور و حشایه توفیق شیتی رفیق شهید مسعود صالحی را در (اهل رشت) از طرف هواداران و دوست - داران آن رفیق یک راهیما شتی در درشت ترتیب یافت. این راهیما شتی در ساعت ۶/۴۵ از ابتدای خیابان طالقانی شروع و راهیما با بن بطرف منزل رفیق حرکت کردند. در این راهیما شتی با شعارهای نظیر "درد بر رفیق شهید صالحی" و "درد بر رفیق شهید صالحی که بدست پاسداران شهید شد" و... ظاهره رفیق زنده گشت در جلوراه هیما با بن عکس رفیق همرا به دستگلی مفا و مصمیت و وفاداری رفیق را به زحمتکشان تدا عسی میکرد. راهیما با بن پس از رسیدن به منزل رفیق در حیات خانه با وراگرا می داشتند. در اینجا بهیام کمیتها در باجان و حوزه گیلان و دانشجویان و دانش - آموزان هوادار در گیلان به خا سواده رفیق قرا ت شد و مرا سمبا نگویند که در حالیکه پاسداران کوشش می - نتیجه ای برای برهم زدن مراسم عمل آورده بودند در ساعت ۷/۵ با بان با نیت، البته طبق معمول ۱۲-۱ نفر از قائلانها و وابستان حزب جمهوری اسلامی نیز - تدبیر هم زدن مراسم را داشتند که موفق نشدند.

انقلابی جا مع ما با زهم بیشتر از آنها خوا هد بروراند، و از خون مسعودها و طبیبها هزاران مسعود و طبیب پیدا خواهند شد و سرانجام سبیل خروشان خلق نظم را به نظم برتری طبقاتی و ملی را برهم خواهد ریخت و انقلاب تا تمام خلقها یما را به سرانجام خواهد رساند!

مرگ بر جلا دگان فرزندان انقلابی خلق!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!

زنده باد پیکار پر خروش توده ها!

هنرمقاومت هنرپرولتری



نگاهی ستازده به شعر انقلاب مشروطیت:

آئینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۲)

آستانه انقلاب:

ما را ش انقلاب دمکراتیک و فدا امیریا لیستی مشروطیت، در شرایطی نواخته شده جنبش دمکراتیک خلفای آستانه را و آخرین نوزدهم، برای رها شدن قید و بند پیدایش افکار فئودال لیسم و سلطه امیریا لیسم که از ارتجاع داخلی و بسته به خود حمایت میکرد، به سرعت نشو و نما می یافت.

کیفیت عاظمی و درونی نیروهای جامعه، بر زمینه موقعیت طبقاتی گوناگون در این شرایط عینی مشخص بود که بروز پیدا میکرد احاسات کین و نفرت، امید و آرمای نخواستنی، با نشت و لرز و... آنها بی چیز چیزی — اشکها بر پیچیده موقعیت مشخص طبقاتی نمیتوانست با شد. شعر که بی نگرانی و روحی، آگاهی های حسی و امیال طبقاتی در شکل ویژه ای از اشکال هنری است در چنین اوضاعی بدل به آئینه ای میگشت که تلاطم درونی طبقات را به اشکال ترسین صورت ممکن با زمینی گفت. این موقعیت عینی مشخص چه بود که با زتاب آن در ذهن شاعران گوناگون که نمایندگان هنری طبقات مختلف بودند، امیال ترسین پا به آفرینش آنان را تشکیل میداد؟ نیروی است بطور فشرده و نیروی برآیند ما شیم: در این دوران زندگی میلیونها زحمتکشی که اکثریت آنان را دهقانان در کل به عنوان نیروی اساسی تشکیل میدادند در شرایط فقر و فلاکت، فحطی و گرسنگی، زیر یوغ ستم و وحشیانه قرون وسطای ایران، اشراف، درباریان و فئودالها و کلا ارتجاع داخلی وابسته سیری میشد و جریان یافتن محدود سرمایه امیریا لیستی در بنیاد دینا دجا معطوف به وسیع امیریا لیسم تا نیرشدید و مرکب را خود را بر تشدید این فقر و فلاکت باقی می نهاد. اقلیت ناچیزی که بر سر مرده شد تسلط شوم خویش را در جامعه ای نیمه فئودال — نیمه مستعمره بوسیله قدرت مطلقه و استبدادی دولت پرتو ده های ستم — کش تخمیل میکردند، نفوذ سرمایه امیریا لیستی در آن دوران برخلاف رشد خود پوی سرمایه داری، طبق مقتضیات خود، نه تنها با این نظم مرتجعانه به مخالفت بر نمی خاست بلکه با آن ساز و باری و جلوه گیری از رشد خود پوی سرمایه یعنی آن را تقویت می نمود. و سبب افزودن اشکال جدیدی از ستم بر انواع ستمهای پیشین میگشت که عمیقاً بر محتوای خواستهای دمکراتیک نشوده ها اثر می نهاد. تشدید ستمگری ملی تا بود کردن استقلال، به قید آوردن خلقهای تحت ستم در

همه ابعاد اقتصادی و سیاسی به دفع رشد و تکامل کشور — های امیریا لیستی و... بیش از پیش ادا میزدگی به شیوه سابق را برای طبقات خلق ناممکن میساخت و زمینه بیداری و تشدید مبارزات دمکراتیک را فراهم میکرد و جنبشهای مقاومت جویانه توده های و ضد استعاری را گسترش میداد و توده ها را علیه رگود قرون وسطایی یک دوران تاریخی برمی انگیزد. و در همین راستا که ما به خصوصیت متمایز این جنبش با مبارزاتی که درون جامعه ای با مناسبات روبرو و فئودالی همپا می شد

مبارزات انقلابی و احاسات کینه جویانه طبقات خلق و حتی بورژوازی ملی در آن زمان قرار نمیگرفت اگر طوطی و آریه این بسنده نما شیم که نفوذ سرمایه امیریا لیستی و رشد آن بخشی از سرمایه و امتیازات و انحصارات سرمایه دارانه که در بنیاد امیریا لیسم بنا می شد، داد، بهر حال نفوذ سرمایه در درگاه و بی جا معای فرتوت بوده، اگر ما سطحی انگارانه به سیم تلگراف، خط آهن، نقش سرمایه ملی امیریا لیسم و در پیوند با آن به موجودیت آن بخش از سرمایه بزرگ تجاری که در پیوند با امیریا لیسم قرار میگرفت و بی شک موجب پیدایش نوعی از مناسبات سرمایه دارانه میگشت چشم دویم ما به جنبه دیگر این پدیده ها از لحاظ پاسخ به نیازهای امیریا لیسمی توجه با شیم و به نظرگاه چپ — روانه و دکما تیک و با استدلال ارسطویی الف الف است و سرمایه، سرمایه است، قفا با راجل و فعل نمایم نتیجه ناگزیر این خواهد شد که مقامی را که در واقعیت از سوی توده ها در برابر این جریان بروز می نمود و در جنبه ذهنی فعل ایشان انعکاس می یافت، بمناسبت مقاومت سرمایه کوچک در برابر سرمایه بزرگ در شرایط رشد کلاسیک سرمایه داری، مقامی ارتجاعی قلمداد نمائیم و در پیچیده هنر، جنبه اشکال انقلابی احاسات مقاومت جویانه طبقات خلق را نسبت به آن نفی کنیم.

بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویانه دوران مشروطه مشعوب است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امیریا لیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امیریا لیستی و... و نسبت به میوه چنان انقلاب و کوشندگان با برجائی مناسبات پیوسته که نه.

به این ترتیب مقدمتار شناخت حقیقی شرایط عینی آن دوران باید چند مسئله اساسی را مورد نظر قرار داد. اول آنکه سلطه امیریا لیسم و نفوذ سرمایه — امیریا لیستی در اشکال مختلف و گرفتن امتیازات و به انحصار در آوردن رشته های تولید و فعالیت در این زمینه ها... درون مناسبات نیمه فئودال — نیمه مستعمره جریان یافته ای بود که موجب برانگیختن احاسات استقلال طلبانه توده ها میگشت. این جریان در یک دوره نسبتاً طولانی گذار به سرمایه داری وابسته که عمیقاً متناسب با نیازهای امیریا لیسم است نه تنها با مناسبات ارتجاعی و قرون وسطایی درون جامعه از در تمام در بنیاد مدلی که با آن ساز و باری و جلوه گیری از رشد خود پوی سرمایه یعنی آن را تقویت می نمود. و موجبات سخت جانی اش را فراهم آورد.

دوم آنکه نقش آن بخش از سرمایه تجاری را که به تدریج به زاده سرمایه امیریا لیستی بدل گردیدند مترادف با نقش سرمایه به جانی دانستن، با گریزهای درک محدود و خشک اندیشی است. دقیقاً باید توجه کرد این سرمایه حیات خود را مدیون نقش انگلی خود قرار گرفتن در چرخه جوب مقتضیات رشد و تکامل سرمایه امیریا لیستی و شرکت کارگزاران نه در به ورشکستگی کشاندن سرمایه داری داخلی است. این ورشکستگی به این صورت اتفاق نمی افتاد که همچون اشکال کلاسیک، سرمایه های تجاری فقه و بزرگ که در جریان رشد خود سرمایه به پدید آمدن بود و سرمایه نگر در جایی رشد سرمایه داری جامعه محسوب میشدند، سرمایه های کوچک — ترا بیلند و به این ترتیب نیرومندی شان محمول

کلاسیک سرمایه داری صورت نمیکرد، بی می بریم. این مبارزات به طور همبسته، با زیر ضربات انقلابی قرار دادن نظام کهن علیه سلطه امیریا لیسم و نفوذ سرمایه بیگانه و امتیازات انحصاری امیریا لیستی درمی گرفت. لیکن چنین حقیقتی هیچگاه به معنی مخالفت ارتجاعی با سرمایه داری نبود. آن دیدگاه "چپ" و ذهنی اشکال که در به شناخت کیفیت متمایز رشد مناسبات سرمایه داری تحت مقتضیات امیریا لیسم و رشد خود پوی سرمایه داری نیست هیچگاه در به توضیح انقلابی این مبارزات نخواهد بود. بدون در نظر گرفتن این حقیقت اساسی، هرگز قادر نخواهیم بود به طور مشخص و جزئی به تحلیل همه پدیده های مادی و معنوی متنوع آن دوران بپردازیم و در نتیجه به طور عاجز آمیزی گرفتار درکی شدیداً فدا رکیستی و فادگر گونه ارزش عینی خواهیم شد. درک این تمایز از نقطه نظر فهم و آگاهی و مشخص موقعیت طبقات و انعکاس آن در ذهنیت طبقات مختلف برای ما اهمیت غیر قابل چشم پوشی دارد. ما در شعر مشروطه که در خود جنبه های اشکال طبقاتی را منعکس میازد عمیقاً متوجه تا شریان واقعیات در کیفیت مبارزات توده ها میشویم. در واقع بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویانه دوران مشروطه مشعوب است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امیریا لیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امیریا لیستی و... و نسبت به میوه چنان انقلاب و کوشندگان با برجائی مناسبات پیوسته که نه. در حالیکه اگر این سرمایه نقش مترقیانه — انده ای میداشت، یعنی همان نقشی که رشد خود پوی سرمایه معنی... علیه مناسبات ارتجاعی قرون وسطای ایفا نمود، هیچگاه با یکنوعه در زیر مهمیز

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه!

و ششم قرار گرفتند (روزنامه ما، ۵۸/۸/۲۹). در چهاردهم بهمن ماه سال گذشته حملات سازمان یا فتنه اوپاش و جماعت را از حزب جمهوری به مدارس و مراکز آموزشی نهادند و ۳۰۰ دانشکده در جریان آن یک معلم مبارز به زندان افکندند. در همین تاریخ ۱۰ نفر از آموزگاران "فهرست برین" دستگیر شدند که منجر به استعفای دویست نفر از معلمان شهر بهشتیانی از فرد دستگیر شده گردید. با زهم در همین ماه به دنبال حمله ای که از طرف جاشا و پاسداران به مدارس کمانیاران صورت گرفت، ۶۰۰ تن از معلمان دست به اعتصاب زدند (نشریه ما، ۱۲۵۰ کا نون مستقل) در ۲۱ بهمن ماه سال گذشته یک نفر از آموزگاران شهر اراک به اتهام فعالیت های خلاف دین "از آموزش و پرورش اخراج گردید (خبرنامه شماره ۱۱۰ کا نون مستقل) در "بزه ده نفر از معلمان که به تبعید یکی از همکاران خود معترض بودند اخراج شدند (کیهان ۵۸/۱۲/۲). دیگر نمونه های فوق که تنها گذشته بسیار کوچکی از واقعیت آنچه که در محیط آموزش و پرورش گذشته است می باشد. برای ادای حق مطلب کافی است رژیم با استفاده از وسوسه های تحت عنوان "معلمان بی پرورش و موثر نیستی" و "فرستادن آنها به مدارس این محیط های آموزش را به شدت کنترل میکند. هیا تا حاکمه تحت فشار معلمان و دانش آموزان مبارز آموزشگاهها مجبور به اخراج و تبعید عنا سر و آواکی و غیره شده. همین معلمان مبارزان نیز دست به اخراج و با زنده میگردانند بی اعتبار کردن آنان، بشیرمانه نشان را در ردیف همان سواکیها اعلام میدارد! جالب اینکه احکام اخراج و بازنشستگی اجباری بسیاری از معلمان مبارزان را با آواکی بنام "طالفا - نی" مفا کرده است! ایشان تحت توجهات رژیم جمهوری اسلامی سمت رسیدگی به اعتراضات اخراج شدگان را در اداره کل آموزش و پرورش استان بعهده دارد و جالب است اینکه مقامات آموزش و پرورش اخیرا بی به ساواکی بودن ایشان، سرده اند!

بقیه در صفحه ۱۵

رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که در آدا مه سبالت سرکوبگران و مدد مکرانیک خود، آموزش و پرورش را نیز به عرصه تاخت و تا خود بدل ساخته است. از آنجا که هیا تا حاکمه از آنجا که می تواند با هم چون جن از بسما لاله وحشت دارد، تماما می گاهنوها ای آکا هی بخش را هدف حمله قرار داده است و در مدتی است که فرهنگ تاریک - خانه قرون وسطی را برجا معه متحول ایران مسلط سازد. از آنرو که ملا قابل پیش بینی بود که بدنبال توقیف روزنامه ها و نشریات مترقی و بستن مسئولان دانشگاهها، دبیرستانها و مدارس را نیز مضمون از تعرض نگذارد. عملگر در رژیم در مورد آموزش و پرورش همچون دیگر زمینه ها، کارنا مه های است مملو از جناحیت و کشتار، سرکوب و خفان که ذکر نمونه ها نی چند کافیه است تا ما هیت سرکوبگران و مدد انسانی رژیم را بر ملا نماید. جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان و آموزشگاهها را از انقلابی به منظور هموار نمودن راه سلطه فرهنگ ارتجاعی، تبعید، اخراج و کاه اعدام معلمان آگاه و مبارز همچون حسن طلسانی، کرجی بیانی، عبدالله قزل جالی زاده و... همه و همه در خدمت تثبیت رژیم ضد مردمی و ضد دیمکراسیک جمهوری اسلامی بکار گرفته میشود.



راهبانه و بیگاران می پیوست و بمورت خیل عظیم فلاکت زده نیمه پرولتاریا تا متشکل در می آورد و بر خلاف رشد کلاسیک سرمایه داری در اینجا نه به رشدنا بیع که بخش وسیعی از آنان را بخود جذب کند و بمسئورت پرولتاریا متشکل در آورد، بلکه با ورنگستکی منابع روبرو میشوند، خواستنا تا بودی همه آن رفتن و لایسمو قطع سلطه امیریا لایسم و دیگر خواستهای دیمکراسیک زمینه اتحاد طبیعی پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و نیروی اساسی دهقانی را فراهم می آورد و چنین شرایطی کل زحمتکشان و حتی طبقات استثمارگر، اما ضد امیریا لیست و مخالف نظام ارتجاعی و کینه ها کم را به انقلاب جلب مینماید. بورژوازی عمدتا از زنگار به و از قشرهای گوناگون تشکیل شده بود، آن بخش از بورژوازی تجاری که در ارتباط با سرمایه های امیر - بالیستی بود دنیا به موقعیت خود نه مخالف سلطه امیر - بالیسم، نه مخالف جدی فتودا لایسم و سرعکس توده ها نه خواستنا تا بودی روسای ارتجاعی جا معه شمرده می -

تنگا مل سرمایه داری در یک مرحله از حیات و رشد آن به حساب آید، برعکس سرمایه داری حلی در نتیجه انحصار اعتبارات مالی توسط بانکهای خارجی، عملکرد شبکه های بانکی که امتیاز آن در اختیار امیریا لیستها قرار داشت، صدور محصولات امیریا لیستی که بنا بر رشد سرمایه داری امیریا لیستی را بیان می نمود. از بیرون به ورنگستکی کشیده میشدند و ورنگستکی شان هیچ ارتباطی به رشد خود پوی سرمایه داری نداشت همچنان که رشد و حیات سرمایه به تجاری که وابسته به سرمایه امیریا لیستی میشد، به معنی تنگامل عالی و خود پوی سرمایه داری نبود. تمام اسناد و مدارک دوران مشروطه تنها این حقایق را تأیید میکنند بلکه همچنان بسیار اقدامات سرکوبگرانه و آشکارا انگلیس و روسیه علیه سرمایه ملی است. در واقع دستگاه حاکمه فتودا لی قاجار، با دست و دلبازی برای ادا مه حیات خود زمینه مناسب را برای تاخت و تا ز امیریا لیستها فراهم می - آورد و دادن امتیازات اسارت با را اقتصادی و سیاسی و... کشور در دست در اختیار مفتضات سرمایه امیریا لیستی قرار دارد. به همین دلیل است که در آن دوران در کشتار مبارزات توده ها تا حدی و مت با زرگان تا ن داخلی علیه نفوذ بورژوازی و امیریا لیستها هستیم. هر چند که ضعف و ناتوانی شان اجازه مبارزه را به پیگیر راهبانه نماند و بونیزه مشاهده میکنیم که چگونه میکوشند خواستهای دیمکراسیک توده ها را تا سطح درخواستهای نازل خود به عقب رانند و به فراموشی اصلاح طلبانه استبداد فتودالی قاجار که تنها به نگرانی رما رزات توده ها و اعتلای انقلابی بود، دل بندند.

بهر حال هر درک انحرافی در مورد شرایط عینی آن دوران، عملا تا شرمغی خود را در ساختار صحیح بدیده های ذهنی دوران مشروطیت و در اینجا هتربهای می بینیم. چنانکه توجه بکجا تبیه به مسئله رشد نیروهای مولد و عدم توجه عمیق به عوامل بیجده ای کومنیات عمومی بین طبقات تعیین میکنند سبب میشود که ما موقعیت واقعی طبقات گوناگون را در صحنه بندی بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نیروهای منززل درک نکنیم.

اکنون بطور فشرده میخواهیم موقعیت طبقات را در شرایط عینی و مشخص دوران انقلاب مشروطیت چنین ترسیم کنیم: وجود روابط تا به آن خرنگیده فتودا لیستی در همه امیخته با سلطه امیریا لیسم، تحمل فلاکت و ستم را برای توده های زحمتکش تا ممکن ساخت. سعی در قبیضه کردن مواضع کلیدی بوسیله امیریا لیسم فرمان - رواشی سرمایه امیریا لیستی در شهر و جریا با فتنن در تولید و با زولید اجتماع و مفتضات امیریا لیسم برای تولید محصولات مورد نیاز راجهانی در بخش کشتا و رزی... از یک طرف عدم توانایی تولید فتو - دالی در پاسخ به نیازهای مادی جا معه سبب میشد که کل دهقانان به مثابه نیروی اساسی تولیدکننده جا معه که در روستاها در حال وابستگی به زمین نگاهداشته شده بودند، قادر به تولید آنچه که خود دنیا زدا نشدند نیا شدند و نتیجه بر اثر تحوطی از پای در می آمدند و آنگاه که دست به دست به شهر مهاجرت میکردند، با فلاکتی دوچندان روبرو میشدند، ورنگستکی صنعتگران و خرابی شهرها و زندگی برادبا زحمتکشان شهر، آنان

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

کمکهای مالی دریافت شده

۲۴۰۰	ف	۲۷۰۰	د	۷۰۰۰	آ
۲۲۷۱۰	ق	۸۵۰۰	ز	۱۱۰۰۰	"
۵۲۷۱۰	"	۲۳۰۰۰	"	۱۱۷۰۰	"
۹۰۰۰	"	۲۲۰۰	"	۶۷۰۰	الف
۲۵۰۰	ک	۲۷۰۰	ز	۳۱۰۰	"
۶۱۱۱۰	گ	۲۲۷۰۰	"	۲۰۰۰	"
۱۶۶۰۰	ک.م	۱۵۰۰۰	"	۲۲۱۰	"
۶۵۰۰	ک.ف	۱۳۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"
۱۱۲۰۰	م	۱۳۰۰۰	س	۴۱۵۰	"
۶۰۰۰	"	۱۳۰۰۰	"	۲۲۲۸۰	ب
۶۵۰۰	"	۶۰۰۰	ش	۱۰۹۰۰	ب-ب
۱۳۲۴۰	"	۱۵۰۰۰	"	۵۰۰۰	پ
۱۴۰۰۰	"	۳۱۰۰	"	۱۰۵۰۰	"
۲۲۱۰۰	"	۶۰۰۰	ص	۳۴۰۰	ت
۲۰۰۰	"	۲۲۲۰۰	"	۲۲۹۰	ج
۷۰۰۰	"	۶۰۰۰	"	۷۳۱۰	"
۹۵۰۰	"	۱۰۰۰۰	ط	۳۹۰۰	"
۳۰۰۰	"	۱۹۱۰۰	"	۱۰۰۰۰	ج
۹۰۰۰	م-الف	۲۰۰۰۰	"	۱۶۰۰۰	ح
۲۸۰۰	ن	۸۰۰۰	ع	۱۹۰۰۰	"
۱۲۸۰۰	"	۶۸۰۰	"	۱۳۰۰۰	خ
۶۲۰۰	"	۱۵۵۵۰	ف	۸۰۶۰	"
۱۰۰۰۰	ه	۳۰۰۰	ا-ت	۱۱۱۱۰	ی
۲۲۷۰۰	"				

۱ - مادرمبا رزما میرمبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۲ - رفیق ماددر ۱۲۳۰۰، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۳ - رفیق شیرخورددرجریان هجوم ارتجاع بدانشگاه مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۴ - رفیق (دبیلوهوظیفه) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۵ - رفیق همنه هوادار زمان دراندیشک، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۶ - رفیق گ - گ ۲۳ ازگیلان، هدیه شماره همراه ۱۰۰۰۰ ریال شمارسید.

۷ - رفیق هوادار زمان درمیان، مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۸ - رفیق "ممد"، هدیه شمارسید.

۹ - رفیق گ، مبلغ ۱۲۷۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۱۰ - رفیق فدراسیون محصلین ودانشجویان ایرانی درفرانسه، هوادار زمان، مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۱۱ - رفیق ایمنه دانشجویان ایرانی درآلمان وبرلن غربی، هوادار زمان، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالیی شمارسید.

۱۲ - رفیق کاووس، هدیه شمارسید.

۱۳ - رفیق ۱۷ شهریور "کمکهای داروشی شمارسید.

۱۴ - رفیق احمد، هدیه شمارسید.

رفقا، دوستان!

کمکهای مالیی خودراحتیاء همراه با حرف اول اسم خودوعدد انتخابی (عداگتیره رقمی) بعنوان "گد" برای ما بفرستید.

پیروزباشید

استحضار "حضرت امام" و عموم مردم برسد. "تأثیرات چشم خودرا بر روی این امر بدیهی و روشن می بیندند که آیت الله خمینی "حقایق" را آنطور که باید و منظور که بر ما هیت طبقاتی خود می فهمید "عموم مردم" عرضه کرده است. آنها این مسئله را تمهیداً فراموش می کنند و به چشم توده ها خاک میپاشند که این امر منظر نکنند که حقایقی که خمینی در رابطه با مجاهدین

بقیه در صفحه ۱۳



رفیق م- و (سرپا وظیفه) نامه مورخه ۵۹/۵/۲۴ رسید از اینکه ما را در جریان مسائل درونی پادگان گذاشتی، متشکریم. خوب بود ما می کودتاچی های دستگیر شده از این پادگان و رفتن روختن قبیل از دستگیری آنها را نیز بر ما می نوشتی. همانطور که خودت نیز متذکر شده ای کار سیاسی - تشکیلاتی در سرپا و نظایان مستعد را با یکا از طریق همنه های مخفی به پیش برد و در این مورد سعی کن با سازمان ارتباط تشکیلاتی برقرار کرده و رهنمودگیری. در مورد دوشواری که کرده ای، در مورد سوال اول: هم از طریق شمار نویسی بر دیوارهای پادگان و هم از طریق اعلامیه های افشاگرانه در رابطه با موضوعات داخل پادگان می توان افشاگری کرد در ضمن میتوان از مقالات و مطالبی که قبلاً در پیکار راجع به فرماندهان ارتش نظیر خودچمران، فلاخی، مدنی و باقری و... آمده است استفاده کرد (تکثیر نمایم قسمتی از این مقالات و بخش آنها در پادگان ... در مورد افرادی چون مدنی که در ارتش نیز با عداوت با بدیه سرپا و درجه داران نشان داد که همه هیتی دار و دوتا بحال در مورد او کمونیستها چه میگفتند و رهبران جمهوری اسلامی که اکنون با او اختلاف پیدا کرده اند، چگونه روی حمایت میکردند... همچنین بکنیز بخبر اخبار و تحلیلهای از کردستان که در رابطه با جنایات ارتش در آنجا در پیکار می آید از نظر تبلیغی بسیار ضروری است.

در مورد اینکه افشاگرها با ما زمان صورت گیری به ما، بدقت مطالب افشاگرانه ای که راجع به خود پادگان است لازم نیست با اسم سازمان باشد و بهتر است در ابتدا با یک امضای مناسب منتشر شود. اما همانطور که گفتیم مقالاتی که از پیکار ریف و تکثیر و بخش میگرد، طبعاً به اسم سازمان (بدون از پیکار) است.

رفیق م- و، در راه انجام وظایف انقلابی برایت آرزوی موفقیت داریم.

رفقا، نامه مورخه ۵۹/۵/۸ شمارسید. در مورد اولین مسئله ای که مطرح کرده اید حق با شماست، در مورد دوم مسئله ما در حال ارزیابی همه جانبه هستیم و تحلیل خود را از این مسئله در سطح جنبش ارائه خواهیم داد. در مورد مقاله کودتا که گفته ایم: "ما... ما یک حساب سرانگشتی نشان میدهم که میرپا لیسمگاه، چقدر کورویی منطق عمل میکند... ما این نظرها در رابطه با موقعیت جنبش توده ای بیان کرده ایم. بنظر ما با توجه به وجود اعتلای انقلابی در جامعه و آگاهیهی خلق چنین کودتا نمی توانست به حاکمیت و تثبیت پادشاهی مزدور میرپا لیستی منجر گردد. ممکن بود آنها در آنجا مبرخی از طرحهای مقدماتی شان پیروز گردند، اما مقاومت و مقاومت با آنها و وارد شدن نیروهای انقلابی به میدان میارزه (در شکل نظامی)

پیدادگری "دادگاههای انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بقیه از صفحه ۱۸ رزمندگان ...

به حساب می آید. گذشته از جنبه شورویک مسئله، واقعیت عملکرد و کردار روسوئال امپریالیسم شوروی در عرصه جهانی بوضوح و با روشنی کامل و بدون کوچکترین شبهه اثبات می نماید که چنین اقداماتی تنها از یک ماهیت امپریالیستی برمی خیزد.

مردورسما به امپریالیستی، تجارت با برابری امپریالیستی، رقابت امپریالیستی با امپریالیستهای دیگر جهت تقسیم مناطق نفوذ و اعمال سرکده گراشی تجاوزات نظامی و کودتاهای امپریالیستی، سوداگری امپریالیستی در زمینه فروش تسلیحات و همه و همه نمودهای یک ماهیت امپریالیستی می باشد.

رابطه سیاست خارجی با سیاست داخلی چیست؟

رفقای رزمندگان تحت عنوان "نظریه سیاست اقتصادی" عملاً اساس این آموزشها را در مورد جنگی برخورد به روسوئال امپریالیسم در نظر می گیرند. بویه فراوانی می سپارند، این رفتارها مفولده روسوئال امپریالیسم را بکار می گیرند، لیکن منظورشان از این مفولده یک برداشت سیاسی است. آنان عملاً اقتصاد دوسو است امپریالیسم را از یکدیگر جدا میکنند و به امپریالیسم سیاسی معتقد می باشند. حال آنکه این برداشتی غیر مارکسیستی است، روسوئال امپریالیسم شوروی یک مفولده سیاسی - اقتصادی است. کمالاتی که سیاست روسوئال امپریالیسم را از اقتصاد آن جدا کنند به انحراف و تزلزل روزیونیستی در غلطیده اند. اکثر شوروی به مدورسما به دست میزند، اگر به نجات و زوگودنا روی می آورند و اگر دارای یک سیاست توسعه طلبانه فذخلقی و امپریالیستی می باشد دلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در این کشور شوروی از انحاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی می باشد. رزمندگان می نویسند:

"روسوئال امپریالیسم شوروی حاکمیت نداشته و سیاست خارجی آن فذخلقی و عدولتری و تجاوزگرانه است." (رزمندگان شماره ۷۷). تا کجا از ما است، ما سؤال میکنیم اگر در شوروی روسوئال امپریالیسم حاکمیت ندارد، پس چه نظریه حاکمیت دارد؟ کذا! مفولده اجتماعی و کذا! میسستم اجتماعی - اقتصادی حاکم می باشد؟ کذا! سؤال میکنیم اگر سیاست خارجی شوروی فذخلقی و عدولتری و تجاوزگرانه است، حملت و ماهیت طبقه ای این سیاست چیست؟ این سیاست ملهم از کذا! منافع طبقه ای و متکی بر مغروریت کذا! میسستم اقتصادی می باشد؟ در برخورد به مسئله روسوئال امپریالیسم تگسروش غیر مارکسیستی و شام فذخلقی رفقای رزمندگان آنجا نظر هر یک که سیاست خارجی را از سیاست داخلی یک کشور جدا میکنند، سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا میکنند، سیاست ملهم از یک میسستم اقتصادی را از خود میسستم جدا میکنند، لیکن مطرح میسستم کذا! "سیاست خارجی با زتاب مناسبات داخلی یک کشور است و اغافه می نمود که همه دول امپریالیستی "در گفتار و عمل و عدالت دم میزند، اما در کردار به چنگهای اشغالگران و غارتگران می پردازند" (جلد ۲۶ صفحه ۲۲۰، چاپ روسی)

بقیه از صفحه ۷ امپریالیسم ...

کمالاتی بزرگ نمی از این سود کلان و هکسیت را تصاحب کرده اند. این رفسموسه کوچکی از استثمار و غارت امپریالیستها را نشان میدهد. تشدید بحران امپریالیستی و کوشش در انتقال آن به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات، تمامدهای طبقاتی و ملی را حصاد کرده و سبب بالا گرفتن تنشهای آرا دیمنش در این کشورها میشود. و با لطمه گسترش این تنشها موجب مریات سکسجی به منافع امپریالیستها میگردد. در کنار تشدید سکسجی امپریالیستی سوز و در شرایط بحرانی که موجب مستعد شدن مایر زده ملی طبقاتی در کشورها تحت سلطه و مستعمرات میگردد، میسازد، طبقاتی در خود کشورهای متروپل ترسیم شده گذشته ایما دوسیمتری به خود میگیرد. بحران اقتصادی سیاسی اجتماعی عمیق می یابد و امپریالیسم در گرداب آن بیشتر فرو می رود.

کشورهای روسوئالیسمی سز از آنجا که از مدار عمومی جهان سرما به داری دور میسند از عوارض آنرا سرخان جهان امپریالیستی نمی توانند بکنار بیاورند. بحران ناشی از ساخت اقتصادی بر ما به داری این کشورها تحت تاثیر بحران جهانی تشدید شده و این بحران خود را در کانه تریخ تولید، گسترش تورم و تراش و رند نرخ میکاری و غیره ظاهر می نماید. و با لطمه بر زمینه این بحران است که مایر زده طبقاتی بیش از پیش اوج میگیرد، نمونه منازات اعضای گسترده در لهستان بخوبی نمایانگر این واقعیت میسند.

حال در چنین شرایط بحرانی و رند مبارزه طبقاتی سیاست طبقه کارگر و کمونیستها چه میسند؟ سیاست طبقه کارگر و کمونیستها، سیاست مبارزه طبقاتی و انقلاب است. در چنین شرایطی که مبارزات طبقاتی بیش از پیش گسترش می یابد، وظیفه کمونیست - هاست که به استقبال آن بشتابند. آنان باید در عین افسای یکدیگر روزیونیستهای رنگارنگ کده سعی در به انحراف کشاندن مبارزات طبقه کارگر دارند از مبارزات طبقه کارگر و حزبکشان کزرها میروپل حمایت نموده از جنبشهای واقعی آزادی بخش در کشورها تحت سلطه و مستعمره به دریغ پشتیبانی کنند و خود نیز در سپین خوش انقلاب، جنبه رنج و امپریالیسم را بدارک بینیند، برخلاف رفرمیستها و روزیونیستها که

و استالین اغافه می نمود که:

"برای امکان نابذ کردن جنگ با امپریالیسم را تا بود ساخت." (مسائل اقتصادی روسوئال امپریالیسم - ۱۹۵۲)

نکته قابل توجه اینجا است که از نقطه نظر لنینیستی سیاست غارتگران جنگ طلبانسه و انجلاگرانسه ناشی از ماهیت امپریالیسم است. سرما به مالی امپریالیستی در میل خود به توسعه طلبی هر چه بیشتر و تا مین مافوق سود انحصاری امپریالیستی مجبوره اعمال سنگری ملی، سلطه ملی و دمکراتیک خلقها و پیشبرد سیاست جنگ افروزان و تجاوزگرانه و فذخلقی می باشد. آری این سیاست فذخلقی ناشی از اقتصاد امپریالیستی و رزمندگیهای یک طبقه بورژوا - امپریالیست می باشد.

بقیه از صفحه ۱۲ موضوعگیری ...

میدان دیدن منقذات استسکه آنها "مخالف" است و "تناقضین از کفای ریدرند" استسکه شهردان آنها دارد هستند، استسکه آنها عوامل آمریکا هستند، استسکه آنها همکارشان هستند... با اینحال، با زهمیها هلی از او "تفان" میسند که حقایق را بیان کند، با زهم این توهمنها درست را در توده ها دامن میسند که خدمت از تمام با و اعانت خارجی درجه به مدشع نیست و این مسئله است که بطور غیر قابل انگاری خلاف واقعیت است. حتی خود آیت الله خمینی مخالف این ادعا و استدلال مجاهدین است. او بارها مذكور شده است که از همه چیز با اطلاع است و همه چیز را میداند. بنا بر این تلاش مجاهدین در این باره و بدل سیاسی برای حقنه چنین امر نا درستی فی الواقع کوششی سیهوده و عیست می باشد.

ادامه دارد

توضیح و تصحیح:

در پیکار ۶۱ عکسی بنام منوچهر جعفری که اعدام شده، چاپ شده است. این عکس متعلق به فرد دیگری است. منوچهر جعفری میسند که اکنون زنده است. علت اشتباه با این بود که چون عکس مهدی جعفری همراه ۵ تن دیگر "رفقا احمد مودن، مهدی علوی توشتری و... از طرف منازات محلی دولتی نگه میسند و عوامیل و مسسین حوادث دانستگاه هوا زمینی ندهود و در زمر عکس مهدی جعفری کلمه مهدی نا خوانا (بحسو) بود و فقط با مفاصل (یعنی جعفری) مشخص بود برای ما این تصویر پیش آمده بود که این عکس متعلق به منوچهر جعفری است که همان زمان همراه با رفیق سپید کسیر تریسی ما و رفیق احمد مودن اعدام شدند. با این توضیح اشتباه قبلی خود را تصحیح میکنم.

میگوشند بورژوازی از عوارض اجتماعی و مبارزاتی بحران بر کاسا رسا بدو اوزا از مملکت نجات بخشد، کمونیست - هاست با بدو تمام قدرت از چنین موقعیتی برای دامن زدن به انقلاب بهره جویند، آنان با بدشکافای سیستم جهانی را با رشد مبارزات ملی و طبقاتی پر کرده و نظام کهن را هر چه سریعتر به سمت تلاشی ونا بودی بکنانند

●●●

پروا میسند که اگر روسوئال امپریالیسم شوروی به نجات و زتاب میسند و سز از آنجا که این امر دقیقاً در رابطه با ماهیت امپریالیستی این کشور است.

اما جواب رفقای رزمندگان چیست؟ کمالاتی که ساخت امپریالیستی شوروی را بنی میکنند، کمالاتی که رابطه مستقیمی بین سیاست داخلی و سیاست خارجی برقرار نمیکنند، در برابر این آموزش لنینیستی چه میگویند؟ رفقای رزمندگان این مسئله را میسند که میگردانند و از جواب روشن طفره میروند. بنظر ما این طفره رفتن اتفاقی نیست. این طفره رفتن ناشی از تزلزل این رفتار برخورد به روسوئال امپریالیسم شوروی میسند که یک قدرت امپریالیستی می باشد.

ادامه دارد

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاهوهای شیخ محمد منتظری (قسمت آخر)

با امثال منتظری درست بود تا زه مگر خود او و دوسه نفر همفکری که داشت با آنها همکاری نمیگرددند. مری که بطور اصولی اشکالی هم نداشت، ولی با لطیف در این مورد ما از موضع پروتزی برخوردند. اشتیم که این مربوط به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود و سازمان مجاهدین در آن زمان برمی گردد.

نا نیا: کتاب شناخت آن مبارزین چاپ نکردند بلکه آقای دعا شی آن را در چاپخانه عرفان نجف چاپ کردند و تحت تصحیح چاپی و نیز مارج آن را به نفع سازمان پیچیده گرفت. راستی منافع تنگ نظرانه این

که بطور علنی آنها را منتشر بازم، انتشار آنها را بنا به اعتقاد اتمان - در آن زمان - و وظیفه تشکیلاتی خویش، در دستور کارمان گذاشتیم. آن کتابها که جمعا ۴ یا ۵ جلد میشد شیرجان ما و مطالعات ما و برادران شهیدمان تا آن زمان بود. اگر نسخه ای از آنها را در اختیار محمد منتظری و کسان دیگری گذاشتیم صرفا جنبه اطلاع از نظرات ما برپین داشت تا مورد مطالعه قرار دهیم و بعدا اگر بنظرمان در کل تشکیلات درست آمد نظراتمان را تصحیح کنیم. حرفهای او در دفاع از مالکیت خصوصی (و تشکیله نظرش را راجع به کتاب اقتصاد

اقتصادیهای قبلی مصاحبه با رفیق تراب پیرامون دروغها و انتقادات شیخ محمد منتظری علیه رفیق ما و مجاهدین و کمونیستها را در دو شماره پیشین خواندید. اینک ادامه آن:

سوال: محمد منتظری علت گرایش بختی از سازمان مجاهدین به مارکسیسم در سالهای ۵۴-۵۲ را "بازی صهیونیست" قلمداد میکند! در این مورد چه صحبتی دارید؟

جواب: منتظری سربا به ما هیت طبقاتی و ایدئولوژیک و بیوزنها توجه به منافع با داوردهای که امروز پیدا کرده از درک گرایش ما به مارکسیسم در سالهای ۵۴-۵۲ عاجز است. بهیچری ما در مبارزه ضد امپریالیستی به طوریکه کل سربا به داری را هدف قرار دهد برای خرده - بورژوازی بقدرت رسیده ای ما بنده محمد منتظری غیر قابل فهم است. این است که میگوید کوفتن سرخود به درو دیوار، برای آن تغییر و تحولات توجه به مسائل آقای منتظری شما بنده مجلس شورای اسلامی "شازده" مطلق المانی که از "برکت" جمهوری اسلامی فعال ما بشنا است و بی هیچ حساب و کتابی به حیثیت افراد و بیروانی مبارز و انقلابی راجع پراکنی میکنند. جا هلاکه دعا می شما بنده میهنیست شما را به "این راه" - که خودی در دهی شما رویش ساخته است - کشانده اند! این آقای زاده اگر حتی معنای صهیونیسم را می دانست چنین حرفی نمیزد. ما از همان روزها شیکه آقای منتظری و مراد های ایشان حتی کلمه صهیونیسم را شنیده بودند و با آن را با یهودیها بر میداشتند. با آن سرخستانه مبارزه میکردیم و بدلیل تبلیغات رادیو اسرائیل است که در سال ۱۹۷۲ همکاری بین انقلابیون فلسطینی و مجاهدین خلق را - که انعکاس فعالیتهای ما در منطقه بود - برای اسرائیل امری خطرناک خواند. از ۵۴ به بعد هم که در چارچوب ایدئولوژی ما رکیستی فعالیت میکردیم موضع ما علیه صهیونیستها قاطعا به تاز پیش ادا شده بود. از سوی دیگر هر کسی که با القبا سیاسی منطقه آشنا باشد میدانده که اسرائیل دشمن ترین دشمنان کمونیستهاست. "آقا زاده" فراموش کرده اند که افشاگریهای ما علیه اسرائیل و اعمال اش در ایران منجمده انتشار نامیش را ضد شرکت اسرائیلی که تشکیلات ما در ایران شناسائی کرده بود و راه در کشورهای عربی در روزنامه های ملی و مترقی چاپ شد و بیکار هم در نجف دوستان خود او و عینا آنرا تکثیر کردند. حالا ما ندیم تحت نفوذ صهیونیسم و آقای منتظری انقلابی تمام عیار از آب درآمد! سوال: محمد منتظری گفته است که کتاب "شناخت" و "اقتصادیه زبان ساده" نوشته مجاهدین را پیش از چاپ به او داده اند و بقول خودش اشکالات آنها را گفته ولی شما ترتیب انتشار داده اید و در جای دیگر هم دعا کرده است که بول چاپ شناخت را جنبه ملی دوم داده است. حقیقت صده بوده؟

کتاب شناخت را "حجت الاسلام دعا شی در نجف چاپ کرد و هزینه آنرا پرداخت آقایان محمد منتظری و هاشمی رفسنجانی در سال ۵۴ می خواستند از حیثیت مبارزاتی ما استفاده کرده، مشترکا از دولت لیبی یک ایستگاه رادیویی علیه رژیم شاه بگیریم ولی ما قبول نکردیم. دلیلی که محمد منتظری برای مارکسیست شدن ما می آورد نشان دهنده زدالت او و وضعیت طبقاتی اش با طبقه کارگر میباشد.

آقایان تا این حد آنها را مسخ و فراقا موشکار کرده است؟! با بنده منتظری گفت "مملحت اندیشی و فرصت طلبی چنان شما را مسخ کرده است که فراقا موش میکنید به اتفاق همین آقای هاشمی رفسنجانی - که در سال ۵۴ به خارج آمده بود - از ما، شما بندگان مجاهدین (که حالا میگویند آنها را منحرف میدانسته اند) خواستید که با هم در واقع به اعتبار و حیثیت ما به لیبی برویم و از دولت آنجا یک پیک برنامهریزی فارسی بگیریم ولی ما چون با دیگر نیروهای مبارز ایرانی قبلا توافقی به همان منظور کرده بودیم به شما جواب منفی دادیم.

اگر خودتان، روحانیتان و... حیثیت و اعتباری داشتید چرا آبروی ما را میخواستید و چه المما له قرار دهید؟ و مگر با دتا رفته است که فراقا شما ترتیب سفر مخفیانه آقای رفسنجانی را به عراق برای دیدن آیت الله خمینی، با درست کردن یک پاسپورت جعلی بدیم و من اما دگی خودمان را با کمال میل اعلام کردیم و پاسپورت را هم بر شما امانده نمود ولی بعدا ایشان با سفارت ایران در بیروت به وساطت موسی صدر به توافقی رسید که با همان پاسپورت ایرانی به عراق بروند و دولت ایران موقع بازگشت مزاحمت نشود! امری که در حدود سوال انگیز بود و هست.

آری آقای منتظری! مجاهدین که در آن زمان جان بکف مبارزه میکردند و خون میدادند بقول و بنابه اعتراف همفکرانمان "حکم" بودهای زمان را داشتند زیرا شما درماندگان در پینده مبارزه می توانستید فرصت طلبانه دعا کنید که "بله، اسلام هم میتواند مبارزه انقلابی و متشکل علیه رژیم شاه را به پیش برد، مجاهدین جان میدادند و شما در آن زمان ناشر می

به زبان ساده "میداد" بهیچوجه مراقبت نمیکرد، فدیت با استعمار و سرما به داری در ما فویرا آن بود که بنوا اندبا استدلالهای مذهبی خشن شود. از سوی دیگر شیوه ما هرگز چنین نبود که بر اساس میل این یا آن در اصول ایدئولوژیک و تشکیلاتیمان تغییری بدیم. هر چند که نفس نظر خواهی از چنین کسانی در واقع جدا از سبب خرده بورژوازی سازمان مجاهدین نبود. با بنده منتظری گفت شما اگر چنین تموری داشتید (که ندا شنید و بخودتان در آن روزها چنین جراتی نمی دادید!) در اشتباه بودید. "خودگنده بینی" شما چنین تمورا معقولی را در شما ایجاد کرده است یک ضرب - المثل میگوید: "اسب را نعل میکردند، سوک هم برایش را بلند کرد و گفت مرا هم نعل کنید!" ما از تشکیلاتمان دستور می گرفتیم (و بر اساس باور و انضباط سازمانیمان عمل میکردیم) نه از امثال منتظری که آنقدر از لحاظ سیاسی عقب مانده بودند که وقتی با دات را خاش میدانستیم و بدلیل محافظه کاری و تنوهم خرده - بورژواشی اصرار داشت که "خیر، سادات تا کنونک میرند!" (حتما بخاطر دارند!) و اما اینکه آقای منتظری گفته است "کتاب شناخت را" عضو جنبه ملی دوم چاپ کرد" یا بدیگویم که: اولاما با عده ای از عناصر ترقیخواه ایرانی که تحت نام جنبه ملی در خارج از کشور (۱) فعالیت میکردند همکاری هاشی میکردیم. اصل همکاری ما با آنها درست بود چنانکه در سطح دیگر همکاریمان

(۱) - "جنبه ملی" فعلی که ما از یک پایگاه انقلابی با آن مرز بندی داریم و علیه آن مبارزه میکنیم ولی آقای منتظری و همکاران از پایگاههای ارتجاعی با آن در افتاده اند با "جنبه ملی" در خارج کشور بسیار متفاوت است.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خوردید و قهپزش را در میگردید و خودتان خوب میدانید و عمدتان مبارزه‌تان در این خلاصه میشد که هر شش ماه یک بار با اعلامیه‌ای را به التماس از آیت الله خمینی می - گرفتید و همان خوراک چند ماهتان بود! و همین وضع ادامه داشت تا او آخر عمر اما حالا که بر سر غریبه‌های جنبش انقلابی خلق شسته‌اید و هیچ صلاحیتی بر کرسی قانونگذاری تکیه زده‌اید، انقلابیون بد شده‌اند و منحرف و هزاره‌ها را در پی گرفتار اجتماعاتان رفته‌اند که در سال ۵۲ از من خواستید که شما و چند نفر دوستانتان را به رفقای و بستانی معرفی کنیم و برایتان از سفارت جبهه آزادی - بخش جنوب ویتنام در سدها دو قوت گرفتیم و آنهمه چیز موقوفی شدن میدادید!

در حالی که این چند تن که را هم خطاب به محمد منتظری (نکته هر چند کم اهمیت) اما ده میگویم: موقوفی شما، نمونه‌های دیگری هم دارند که چون برای بعضی مریدان شما جالب است میگویم: با دستان هست که بیگروزم و هم‌زمان در یک پارک واقع در باب شرقی بغداد با من قرار داشتید و سیگار روشن کردید و من که خودم روزم را بسودم و وقتی نظر شما به روزه خواری را دیدم بشما تذکره دادم، جواب دادید که "ما سفر هستیم؟ البته شما اکنون در شرایط مشابه، غلای زدن را "تجویز" میفرمائید! نمونه دیگر موقوفی شما آن بود که در جریان اعتماد غذایی که به نفع زندانیان رژیم شاه مشغولیت الله طالقانی و آیت الله منتظری و... در مقراتعاده دانشجویان فلسطینی دریافت، برپا شده بود و شما در آن شرکت داشتید با دختران دانشجویی که به حمایت از اعتماد کنندگان از محل اعتماد دیدن میکردند دست میدادید و حاضرین را از اینهمه "موقوفی شما" به تعجب انداخته بودید که "خوند دست دادن به دخترها؟! "از نظر من آن "موقوفی شما" هادر گذشته و این مقدس نمایی‌های امروزتان بی ارتباط نیست و در واقع نشان به نرخ روز خوردن است!

بر میگردیم به بحث اصلی ما: در آن زمان ما در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه و طبقه خود میدانستیم که با کلیه نیروهای مبارزه علیه رژیم در هر سطح - من جمله منتظری در آن زمان - همکاری کنیم و برای آن همکارها - بطور کلی و در چارچوب یک سازمان مذهبی - نه پیشما نیمه‌ونه منتفی داریم.

محمد منتظری عمداً "فرا موش" میکند که حتی پس از اعلام مواضع مارکسیستی از سوی بخش منشعب از س.م.خ. ۱۰۰ خواهان حفظ روابط با ما بوده است. من یکبار او را در پاریز به معنی دوسال پس از آنکه از گذاردن آید شولوی مذهبی، در پاریس دیدم و او خواستار ملاقات بیشتر با ما شد و از قطع شدن ارتباطات با ما گلّه کرد و با هم‌قراریاتی در دمشق (بشت تلفن خانه) گذاشتیم و گفت "اگر کاری با عباس زمانی (ا.بوشریف امروز) دارید ترتیب دیدنش را بدهم" ولی چون آن تماشای مربوط به ملاقات رفیق علیرضا سیاسی و عباس زمانی می‌شد رفیق مامدنی بود که به ایران برگشته بود و لحاظ امنیتی جواب را به بعد موقوف کرد. بله، این آقایان، پس از سوار شدن بر اریکه قدرت و برگردن مردم و ممانعت از پیشروی انقلاب (هر چند موقت)، در ماندگی‌های گذشته‌شان را فرا موش می

کنند، اگر شش خودشان در برابر نیروهای انقلابی را از با دمی برند و علیه آنان سخن بگویند می‌کنند! آقا با این پهلوان پنبه‌ها شش نبوده و شش نبوده. حقیقت بی‌زودی بر نهاده‌ها آشکارا خواهد شد.

سوال: منتظری در همان مصاحبه‌اش گفته است که شما "با دختر برادرهای ارتشید نصیری در پاریس همکاری میکردید. اینده‌اند. همچنین گفته است "دختر برادرهای نصیری یکی به ما رسان بیگار رفت و یکی به "سازره سرخ" و اینها هم مائوئیست بودند و اصولاً مائوئیستها در خارج از کشور هستند. در خط آمریکا بودند و شما آنها هستند که کارها را با این راه‌گردستان انتقال دادند. "در جای دیگر گفته است: "این همه اصطلاح گروه بیگار را که ملا در خط مسائل مارکسیستی و مسائل جنسی (!) و شعارهای مبارزاتی" افتاد (!!) به این حرفها چه پاسخی میدهید؟

جواب: میببینید که چقدر بی‌ربط و بلااست. اگر از ما تعریف میکردی تا ساف بود در صورتیکه وقتی چنین "آدمی" به فحاشی علیه ما می‌پرداخت و حداقل نشان می‌دهد که من با و این آقایان در مقابل هم قرار دارم و این بخودی خود مثبت است. این دروغ و اینهمه‌های بی‌زمانه برای هر کسی که من و هم‌زمان‌ها را بشناسد و شناسد و است و تا کید می‌کنم فقط همین در ماندگی محمد - منتظری و ما را نشان در مقابل به جنبش خلق و گسترش نفوذ کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی است. اگر او دره‌ای به "حرمت دروغ" - که ادعا می‌راند، در اعتقاد داشت تا بدین چنین حرفهای سراپا دروغ را نمیزد و واقعیت این است که خود دروغ‌رواها شش که بر ما به - داران متحد شده و در صف ضد انقلاب قرار گرفته‌اند اخلای را برای تحمیل توده‌های زحمتکش میخواهند و هنگامی که پای سرکوب کمونیستها و انقلابیون سازش با بذر در میان نباشد، از هیچ - آری از هیچ - جانبی علیه آنان خودداری نمی‌ورزند. حرفهای او همان داستان "فحش و تحسین دختران معاویه" را یاد می‌آورد. او را من دختر برادرهای نصیری خاش را نمی‌شناسم. البته اگر هم آنها وجود خارجی داشته باشند هرگز آنها عموستان را بیایان نمیتوان نوشت و بهیچوجه چنین شخصی در سازمان ما نیست.

آیا رذیلانه تر و زبونانه‌تر از این میشود که در رابط با من کلمات "دختر" و "نصیری" را واکشی "را ریف کنند؟ و همچنین بی‌پرسه با طرح این دروغ از طرف آقای منتظری برای لایو شانی کردن تماشای گروم و مصمصانه‌اش با یکی از کارمندان سفارت شاه در دمشق بنا بر آقای شریعت نیست؟! از طرف دیگر ما ربطی به مائوگرده‌ستاره سرخ نداشته‌ایم و بالاخره خط آمریکا کجا و ما کجا؟ مبارزه دلبیانه خلق کرد کجا و سیاست سرکوبگرانه - آمریکا علیه خلقهای ایران کجا؟

با بدیهه و گفت: آقای عزیز، دنبال خط آمریکا در جاهای دیگر غیر از دولت و شورای انقلاب و مجلس‌تان نگردید. آپ در کوزه‌است بی‌پوده‌گرده‌ها را نخرید! کافی است به سخن شوکر سرسپرد آمریکا زکی بهمانسی (و ژبرفت سعودی) گوش کنید که با اطلاع از ما چراهای پشت پرده سیاست آمریکا، در مصاحبه‌ها روزنامه‌ها و رسانه‌ها چاپ کویت مورخه ۳۱ ژانویه سال میگوید: "اگر آمریکا شیها از حفظ رژیم جمهوری اسلامی غفلت

بقیه از صفحه ۱۱ دست...

در سال ۵۹ یعنی سال امنیت بورژوازی و ارتجاع، بهاد گسترده‌تری گرفته‌است. یک معلم در رز در شهر زکهدر دوران آریا مهری غریب سال در زندانها بوده اکنون به "حرم" انداختن مذهب رسمی" (؟) اخراج گشته است! طبق خبر مندرج در کیهان ۱۰۴۰۵۹/۴/۹ نفر از معلمان فارس اخراج و بازگشته شده‌اند که در جمیع ۴۶ تن از آنها نیز نداشتن مذهب رسمی بوده است!! شما می‌شهرها و روستاهای ایران و سبزه‌گردستان به همین سرنوشت دچار شده‌اند. نقطه‌ای این اقدامات ضد دیکتاتوریک انحلال آموزش و پرورش گردستان است که خودکشی با یک نشانی برپایشی رژیم محسوب میشود. طی این مدت بخش‌های رنگارنگی خطاب به کلیه مراکز آموزش کشور داده شده که در آن معرفی انقلابیون و جلو گیری از فعالیت سیاسی و آگاه‌گرانه آموزشی را و دانش‌آموزان بکرات مورد تادیب قرار گرفته‌اند است.

علاوه بر اینها اخبار رژیم با اعدای بی‌دینی معلمان آگاه - پیرونده‌ها نیست خود را تنگ‌تر نموده‌است اعدای مملکت‌ها فرزندان را در خلق ترک کرده و همچنین همکاران و هم‌زمان‌های حالی را در یک درگیری لجام گسیخته رژیم را آزادی و آزادی‌شان داد. بهر حال اکنون که مدارس تعطیل است و امکان ارتباط - گیری معلمان و دانش‌آموزان کاهش یافته، رژیم با استفاده از این فرصت دست به هر جاسوسی بر علیه فرهنگیان میزند. از این روست که با یازدهن مدارس و در آستانه سال تحصیلی جدید، وظایف بعضی بود و معلمان و دانش‌آموزان انقلابی سکس‌های خواهد کرد. دانش‌آموزان و معلمان آگاه ما با بدنامی نام قدرت خود نشان دهند که اولین و ابتدایی ترین خواسته‌شان آزادی همکاران زندانی‌شان و بازگرداندن معلمان اخراجی و غیره به محیط آموزش و پرورش می‌باشد. بی‌گمان اتحاد و همبستگی دانش‌آموزان و معلمان آگاه و انقلابی و مبارزان پیگیرشان، پشت محکمی بر سرپوشه ارتجاع خواهد بود.

کند چای ایران چنان درسی به آنان (آمریکا شیها) خواهد داد که آنها هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم جمهوری اسلامی مهلت دهید که جنگ آینده‌اش با جنب ایران است و امید می‌رود که بدون کمک خارجی نتواند چپ را سرکوب کند.

حالا شما شعل و آروغ می‌بزنید و سازمان بیگار در راه آزادی طبعه‌ها را گمراه می‌کنید و مستحکم در دفاع از منافع طبعه‌ها را گرد می‌گردانید و مستحقان به عضویتش افتخار می‌کنید آمریکا شش موقوفی میکند مگر نه این است که مردم با غلبه اندو غلغلان دانسته؟! تحول موضع منتظری و امثال او از یک خورده - بورژوازی مذهبی که بهنجوی در صف دوم مبارزه با رژیم شاه قرار داشت به یک ضد انقلابی و ضد کمونیست که پس از رسیدن به قدرت حاصل شده است برای ما مارکسیستها تحسین ندارد. ما از امثال منتظری و طبعه واید شولویژان، بخصوص پس از یک تجربه طولانی در پیوندها مبارزه انتظاری بیش از حد علمی و مارکسیستی‌اش نداریم. میباید طبقه‌ها که قبل از هر چیز آگاه‌کردن توده‌ها است و...

★ ★ ★

تا تامین کار برای دهک‌داران، داشتن دهک‌ها حق مسلم آنان است

یورش چماقداران و کمیته چی ها به کتابفروشیهای نازی آباد

در اواخر ماه یورش وحشیانه ارتجاع به دستاوردهای قیام یازدهم ماه ۵۷ و بمنظور گرفتن امکانات تبلیغی و قطع رابطه "نیروهای انقلابی و کمونیست با مردم و همجانبان کمونیستهای این اعمال ارتجاعی را قیلا نیلر بارها دیده ایم. در روزهای یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ و سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ مزدوران حزب جمهوری اسلامی، چماقهای سرکوبان را به کتابفروشیهای نازی آباد نشاندند و رفتند.

آنها با برپا کردن مریز قلی، در ساعت ۷ بعد از ظهر سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ تکسیر گویان به کتابفروشیها حمله کردند. این درگیری که با مقاومت کتابفروشان مواجه شد منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای گردید.

پس از درگیری "تاسداران انقلاب" تاسداران نازی آبادی ها وائی وارد محله شده و به دستگیری کتابفروشان مبارز (حتی با اسافتها) دورتر از محل درگیری (پروا ختصو ضما زخمیهای حزب اللهی را نیز سفتوان سدرجرم کتاب - فروشان) با خود بردند. در جریان دستگیریها، مردم با اجتماع در برابر دروازه ای آنها دو هو کردن با سداران مانع بودن یکی از کتابفروشان تده و به این ترتیب انزاج خود را از این اعمال وحشیانه ارتجاعی بمانان کردند.

این حملات روز بعد (چهارشنبه) نیز ادامه پیدا کرد و طی آن سه نفر (دودختر و یک پسر) بازداشت شدند. رهبری این حمله وحشیانه را، مسئولان کمیته خانی (رئیس کمیته کلاسی) و "هادی خان" (از مسئولین با زحوشی کمیته منطقه ۱۳) و عده ای از حاجی های "معتد" مانند حاجی جعفری (صاحب روال) و... به عهده داشتند پس از دستگیری عده ای از کتابفروشان، گردانند - کان ما چرا اقدام به برپائی یک راهپیمائی و با صدور قطعنامه ای خواستار ردت عمل بیشتر نسبت به کتابفروشان شدند. اینان تصور میکنند که با سرچیدن کتابفروشیها و جلوگیری از بیخ و فروش نشریات انقلابیون و کمونیستها میتوانند جلوی رشد انقلاب را بگیرند. اما کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بر آنان رینخند زده و میگویند اگر زخمیهای ارتجاعی جهان (و از جمله رژیم سربرده شاه) توانستند آتش نشان ختم شده را با سرکوب برای همیشه خاموش کنند، شما نیز خوا هید توانست!

منتشر شد:



چاپ دوم کتاب "مجموعه مقالات درباره سازمان جریکهای فدائی خلق" منتشر شد. چاپ اول این کتاب را رژیم جمهوری اسلامی در تها حبه چاپخانه ای که آن را چاپ کرده بوده غارت کرد.

گزارشی کوتاه از مراسم گرامیداشت خاطره بیکارگران شهید رفقا مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی



روشن شد، قدم به قدم به ماهیت این دولت بی بیه و میبرد. از آنجا که دولت عمدتاً بر ترومها آگاهیه مردم سوار است نقش نیروهای انقلابی و کمونیست در آشتی این رژیمهای و زده ای را آشغال میکند. رژیم نئو ندرستی به این مسئله بی برده است دشمنی و عداوت با این نیروها وسیع و افش در سرکوب آنها برای جلوگیری از کارا کارا گران نشان از همین زاویه است.

شهادت بیکارگران شهید رفیق مسعود صالحی و رفیق طبیب نجم الدینی در همین رابطه معنی میدهد. رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران ارتجاعی که مرگ خود را در آگاهی توده ها و زحمتکشان می بینند سراسر جلوگیری از استقلال این آگاهی بمانان شده ها هر توطئه ای دست میزنند، اگر تا دیروز به جمع گردیده ها بفرجه در صفحه ۹

عمر روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۷ بمناسبت بزرگداشت شهادت دور رفیق بیکارگران، مراسم در گورستان وادی رحمت تبریز برگزار شد. در ابتدا پیامها زمان بیکار (کمیته آزادی بجان) فراشت گردید. بعد از آن به شرح مختصری از زندگی و مبارزات دور رفیق، سرود کردی "شعبه" به همراه خواننده رفیق طبیب نجم الدینی که از گورستان آمده بودند، خوانده شد.

آنگاه برادر شهید مسعود و عموی پدر شهید طبیب سخنانی در مورد زندگی مبارزاتی آنها ایراد کردند. در این مراسمها نیز از طرف سازمانها و گروههای سیاسی از جمله کوهسار، هواداران سازمان زحمتکشان آزادی طبیبها، رگ، گروه انقلابیون، ل. م. - بیکار خلق و جدات انقلابی، اتحادیه کمونیستها و نیز رفقای هوادار سازمان در هشتروز، ارومیه و اردبیل و... رسیده بودند که فراشت گردید. در سوال سخنرانها و پیامها، جمعیت ترکیه و رهبرها میزدند: "مسعود شهید قسم به خون سرخ را هت ادا میآورد"، "طبیب شهید قسم به خون سرخ را هت ادا میآورد"، "زحمتکشان بولوندا! مسعود شهید اولوبیدی"، "زحمتکشان بولوندا! طبیب شهید اولوبیدی". در پایان، برادرها و رفیق طبیب با وجود مریضی و کمالات سخنانی ایراد کردند. وی در قسمتی از سخنانش گفت: "۲۵ سال زحمت کشیدم، فرزند بزرگ کردم، طبیب در راه زحمتکشان شهید شده و خوشکم نیستود. طبیب برای من یک فرزند بود، حالا من هر ارا فرزند دارم، راه طبیب را پیدا میپیدا کند، شما ادا میدهندگان راه طبیب هستید."

ما با ردیکوبه خون پاک این دور رفیق شهید سوگند میگیریم که راه آنها را تا بر فرازی جبهه سوری دمکراتیک خلق، تا بر فرازی ایرانی آزاد و مستقل ادا میدهیم. در تبریز ما زمان بیکار (کمیته آزادی بجان) را به خواننده این دوشهید بیکار رگ ملاحظه میکنید. پیامها زمان بیکار در راه آزادی طبیبها رگ - کمیته آزادی بجان به خواننده رفقای شهید مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی

شهادت رفقا مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی اولین جنایتی نیست که در این رژیم اتفاق می افتد همچنانکه آخرین آن نیز نخواهد بود. رژیم کاپی از قیام پرشکوه یازدهم ماه ۵۷ و بدینا جانبا زبها و قهرمانیهای مردم دلیر ما و سقوط دیکتاتور شاه و بستن دفتر ۲۵۰۰ ساله رژیم شاهها به قدرت رسید، از آنجا که نمیتوانست و نمیخواست به خواسته های انقلاب پاسخ گوید در مقابل انقلاب ایستاد و این را در قدم به قدم حرکت خود، نشان داد در سرچوردن کارگران، با خلق کرد، خلق سرکشان، دانگا و نیروهای انقلابی و کمونیست نشان داد.

مردم که در ابتدا حکومت جدید را حکومت خود حساب می آوردند با گذشت زمان و فتنه که در زندگی روزمره خود عملکردهای دولت را تجربه کردند و دستدرج صحت افتا گریها و روشنگریهای نیروهای انقلابی برایشان

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام

دهم شهریور ماه مصداق است با جهلین روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام. با شرکت در مراسم بزرگداشت او که از ساعت ۷ عصر همان روز با حضور خانواده و نمایان شهید در هیئت زهرا قطعه ۴۱ سرگزار میشد اعدادم ارتجاعی او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی او علیه آمریکا و رژیم شاه و نیز مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری اسلامی، ادای احترام کنیم. کمیته بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

رزمندگان و مسئله رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۲)

بورژواشی و روزیونیستی بخشی از زندانیان چپ آزاد شده بود. اینان که در زندان در مورد مسئله ثروتی عمدتاً از منابع غیر مارکسیستی لنینیستی و آثار انتقادی و حتی روزیونیستی تغذیه فکری

راه دیگری ندارد جز اینکه در استراتژی پروتاریا
 احزاب وارد آورده و صف دشمنان و دوستان بین -
 المللی طبقه کارگر و انقلاب را مخدوش سازد .

ا. ب. روز هج. کمونیست یکبیری نمیناوند موضع
ط. علیه رویو نیمس خروچی و س. ال امیرا الیم
روی هداشته باشد، زیرا موضع علیه خروچی و س. ال
س. ال امیرا الیم جزو دسا وردهای برجسته مارکس
نیمس در دوران اخیر شما می آید. این دسا وردها
مل مارزه رویو نیمسیتی علیه بود که از جانب
رکست - کمونیستی این جهان از جمله خروچا ر
بانی و حزب کمونیست چین در طی سالهای ۶۰ و
ن علیه رویو نیمس صورت گرفت. در طی این مبارزه
رکستنی بود که رویو نیمس خروچی به شما به خط
و بورژواشی و ضد پرولتری افشا شد، حوالاتی که در
روی بدیدال استقرار رویو نیمس موضع یوس
در تحلیل قرار گرفت. و نیز انقلابی س. ال امیرا -

● هر دغا که در عصر امپریالیسم مذهب بیرونی روزی پنجم رانگی کند راه دیگری ندارد جز اینکه مذهب امپریالیستی شوروی را زنی کند و هر دغا که امپریالیستی بودن شوروی را زنی نماید راه دیگری ندارد جز اینکه راسترازی پرولتاریا انحراف وارد آورده وصف دشمنان و دوستان بین المللی طبقه کارگران انقلاب را مذهب سازد.

در سطح جنش کمونیستی ایران فلسفه شکایت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم نظامی پیدا کرده است. جریاناتی مانند رفقای زمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح استدلال مسئله بردارند، فقط فلسفه شکایت را راجع میسازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش می دهند.

کیده بودند، پس از آزادی از زندان علیه درک پروتسترو
از روزی بیستم و شصت و یکم رگبستی سوسال امیر
با لیسم به تعرض دست میزنند و دامنه ترلا ت
موجود را گسترش میدهد .

در تار و پود کهنه‌ی کمونیستی بین المللی در
براکندگی سیاسی ایدئولوژیک و استکلاستی به سر
می برد و فاشد و احادیرو لمارائی می باشد،
روزیونیم در سالی اکتال خود و سوز و سر-
نوسم خرو جوی و سوسال امیرا ل نسیم سوزی در
حال تعرض می باشد، بد این تعرض پس از تحولات
صدا عیالی در چین و حاکمیت روزیونستی در آن
دو جدان گشته است، به تبعیت از این تعرض بین
المللی نیروهای روزیونستی و بی تحریرا-
سوم ایدئولوژی خودنروهای مارکسیست
میست از مودنها خود و فاش داده اند.

بدین ترتیب این عوامل اساسی بودند که زمینه را برآوردند و سرانجام در سال ۱۳۵۷ میلادی رژیم پهلوی سرنگ شد. همین زمینه‌ها عده‌ای را هدایت نمود که انقلاب و کزانیات ریزش پهلوی را به سرانجام رسانیدند و در پی آن، «جریان ۳» شکل گرفت.

سازمان رزمندگان از این موج سرکشانها عا
امیرالمؤمنین بودن عرووی که منجر به نفی تاثیر
اداری واقعیتها و امیرالمؤمنین کیس و
برای بنی العلی برولانها منکرده، نفی
ی روهال امیرالمؤمنینها یکی از مواظباتی
ی وحدت حبیب کومیس و... از جمله مواظبات
یومیس برای رزمندگان به شمار می آید.

[illegible]

مسئله‌های غلبه وجودی اسرارها و برلرلار در
سال روز یوسوم و سال امسال هم هست برای
یاخندان پرسیده شده‌اند تا علل اساسی محدودیت را
از زکده و سینه دهند مواضع رفقای رزمندگان می-
باشد از:

۱- حسن پویان کمیونی ایران طی دودهدا خبرسه
- وزده اها کیمب می خریکی برآن علیرغم مرز
سفی اخلاقی باروسوم خروجی ایما اند
ک سب تبارازی بیرونی و درازمدت در غرضه
تبارزه بروتری علیه روسوم می باشد . درک
حدود انارکم لیسیم کردن سیای الفصاطی
و جرد سوروزی او آن ... و سید محمد

۲- بانی بندها و وسفکری شکلات حشی ریمه ما غی
جب رمد لیرا الیم ویرلزات وکرا سات رویر-
یوسی یو حوید و ردا س. در سراط رمداره
غنیانی رو سکران حرد سوروانی که سوروانی
سابل دار دیمه صما من سایشی لیرالی
رویر یوسی یو بندا مکنسد، تحولات سایی
- اجما غی یرا رفا مسمو سایدیرلزات و
اخرانی رویر یوسی باند.

۳- برانزما جنسی جذب و بطور محض، حُران "۳" در غرضه ما رزء ادنولوزیک مدروزیو سیمی گرفتار یک حرکت را سراوے، غیر نعل واکو سیمی بود و سوا نسا ب یک نعره همه جا نسا سی ادنولوزیک غلبه رویو سیم و سوبال امیرالسم راه بیس سرد، نعره گی مونا ندز مینه بر لرات وکرایا ب رویو سیمی در درون سکلها را مورد هجوم بر لری و حقوفا ردهد. در همین زمان جنسی جب ایران مواجعا نعره ادنولوزیک خسرده-

لیسم‌نوروی د پیرنوآ موزش‌های ما رکسمی- لیسپی را با سواقیت عینی نوروی نتیجه‌گیری و آراشه دیدید، مبارزه دوزیونیستی علیه خروجیسم و سوا ل امپریا لیسم‌طور منضم بر غای ما رکسم می‌گشت که شریکدا نشه ویرولنا ری جهای را در آرزو علیه دشمنان را رنگ آریده سرمود، ادر خط فاعل روشنی سن ما رکسم لیسم ولنا ریبا از یکسو ویرویسم و اورو نیم و سوز- ری ازوی دیگر کشیده و جس خاطر یخه گوید ه های پیگیر نیمواست خرد گتری جرما زر علیه ویرویسم و سوا ل امپریا لیسم اده لسن آموخه که لیسپی در مآزه علیه اورو نیم و سوا ل نیمخه خورده اند و گسترده و گوسپنی جیون دماغ آژمان سیرولنا ریبا کترکی ایلوزیونیستی نیمواستند و سوا ل علیه دس اعلی سوا لیسم علمی سعی ویرویسم مار ره رخا به اند، این مآزه ممنون اعلی سوا زره اده ویریک نیموینا را نیکدل مده اوده د، اس مآزه ریاس ورتی دودجان سذاکره کوره ویرویسم- مفرت ری سیاسی دریک سله اگرتا س خددود- پیگیر ترس کوسپنی ابراه مآزه علیه ویرویسم اریما به ممنون اعلی مآزه اده و- ویریک خودا ریبا سی نموده و اس مآزه و اس مآزه به سوا ل امپریا لیسم نوروی سوده میرند- آان ایا که خط فاعل روشنی سن خود ویرویسم نیان ش جهای رشتی، حیگونه سر ددی در مآزه به سوا ل امپریا لیسم نوروی ارجود بر سر دده د یان میدانها بگونه که سوزواری در ما رکسم تریف میکند، عمل سوزواری سعی ویرویسمی ارجا و ویرویسمی اری مده و استلا سی جهای سیر مامی و دسا وردهای ما رکسم تحرف ممما به تریف جهای هار دمو در سوا ل امپریا لیسم تریف سوزواری دس میرند، اس امر اعلی آژان نوا اده د که بگونه هایت ویرویسم و سوزواری دده و ما هیت نوروی سوزوآ امپریا لیسپی می یاده، ریدکا هی که در عر امپریا لیسم هایت سوزواری ویرویسمی اری گندرا ده بگری نده ادر اریکه هیت امپریا لیسپی نوروی را نیز نیلی گده و خرد- که ما لیسم مده د شوره، اعلی مام

رزمندگان ماهیت
امپریالیستی شوروی را قبی میکنند

هناك طور كه سدا اسم بر ليات روبرو سيستى. در
ان روبرو سيستى وسواس ال اميراليم در اشكال
طبعى ظهور ميكند، بكني از اشكال بروزين نظريات
و "سيدا ساس" جمعا ساس" مي يابند. جريان نتي كه
يك برولسري از روبرو سيستى سدا ساس جريان طبقاتي
سوزو ندي سدا سواساس مسئله استغفار روبرو

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

قبول دارند و بنا بر این معتقدند که شوروی یک کشور سرمایه داری با ساخت اقتصادی امپریالیستی می - باشد و از رزمندگان این تزار در خود مورد نفی قرار می دهند. بنظر ما رفقای رزمندگان سوسیال امپریالیسم را به مفهوم کمپرونی که در آن سوز و آزاری انحصاری حاکم بوده و اقتصاد آن دارای ساختی امپریالیستی می باشد. قبول ندارند. دلیل این حکم مجموعه نظریاتی

با لایم نقطه شروع را اقتصاد آن قرار می دهد و تحت عنوان تحلیل از اقتصاد شوروی تزلزل رویزیونیستی خود را پنهان می سازد. بحث بر سر آن دیدگاه است که با شک گراشی خود بحث آموزشهای مارکسیستی لنینیستی و دستاوردهای سوسیالیسم و جنبش کمونیستی جهانی را به زیر سوال کشیده، ماهیت بورژواشی رویزیونیسم و تحولات روستای و زیربنای منطق برای ما هیت

● اگر شوروی به صدور سرمایه دست میزند، اگر به تجاوز و کودتای می آورد و اگر دارای یک سیاست توسعه - طلبانه ضد خلقی و امپریالیستی می باشد. بدلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در این کشور بورژوازی انحصاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی می باشد.

● نگرانی مارکسیستی و تمام خلقی رفقای رزمندگان آنجا ظاهر می کند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی بکشد و جدا می کند، سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا می کنند، سیاست ملهم از یک سیستم اقتصادی را از خود سیستم جدا می کنند.

است که رفقای رزمندگان راجع به درک خود از سوسیال امپریالیسم را ارائه نموده اند. دلیل این حکم این است که این رفقا میگویند که در مورد "ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی" پاسخ دقیق و علمی وجود ندارد و باید در پی پیوستن این پاسخ بود. دلیل این حکم این است که این رفقا صحبت از "بذورش سوسیالیسم" می کنند.

بنظر ما رفقا تزلزل رویزیونیستی خود را درست مسئله بررسی ساخت اقتصادی شوروی می خوانند. به نظر ما رفقا فاقد درک برولتری از ماهیت رویزیونیسم و مجموعه سمیوت و تحولاتی است که در آن در شوروی می باشد. و این تزلزل رویزیونیستی تا بدانجا پیش میرود که عملاً یکی از دستاوردهای جنبش جهانی کمونیستی مورد نفی قرار میگیرد. بنظر ما جنبش بین المللی مارکسیستی لنینیستی آنجا که کنون در - باره سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح ساخته شده اند از کافی فایده انگاری می بینند و درک روشنی و صریحی در این مورد پیدا نموده و موضع استواری در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی اتخاذ کرده. جنبش بین المللی کمونیستی به چه متاعی در این مورد رسیده و چه آموزشی را ارائه میدهد؟ این آموزش بطور مختصر چنین است:

رویزیونیسم یک خط مشی بورژواشی بوده و رویزیونیسم در قدرت به معنای بورژوازی در قدرت است. به دنبال استقرار رویزیونیسم فروشندهی بحزب و دولت شوروی و تحولات مداوم انقلابی در روسیای این جامعه، زیربنای جامعه کاملاً متاثر شده و بهر آن سرمایه داری جهت گیری می نماید. بدین ترتیب پرولتاریا به طبقه تحت سلطه تبدیل شده، از سوا ثل تولید جدا گشته و نیروی کار را به کالا بدل میگرد. طی یک استعلا به بورژواشی همه جانبه اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد امپریالیستی و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل میشود. کشوری که از نقطه نظر لنینی در اساس خود مشخصات اصلی امپریالیسم را همراه دارد، کشوری که بر سر اعمال هژمونی و سرکشته - گراشی با امپریالیستهای دیگر به رقابت پرداخته و همتانند دیگر امپریالیستها بر ضد انقلاب اجتماعی و استقلال و آزادی خلقها عمل میکند، کشوری که در محاسبات نیروها در عرصه بین المللی جزیر اردوگاه ضد انقلاب

بقیه در صفحه ۱۳

و در یک کلام مسئله سوسیال امپریالیسم بنا به نتیجه طبیعی این تحولات را مورد سوال نفی آمیز قرار داده است. آری بحث بر سر دیدگاه است که خود مکتبی بر تزلزلی رویزیونیستی بوده و به نوبه خود تزلزلات سازماندها را داده و منتهی به زیر سوال بردن اساسی ارتداد و روی سوانعتی از مارکسیسم لنینیسم هموار میسازد.

بر سر جنبش دیدگاههای رفقای رزمندگان مطرح مینماید:

"ما کما ننداریم که تحلیلهای مخمر موجود تکیه چند دهه از تاریخ معاصر جهان و اخامان سوسیالیسم را یکسره کرده باشند. ما معتقدیم که بررسی دقیق ساخت اقتصادی اجتماعی شوروی و کشورهای مشابه آن مسئله ای است که جنبش کمونیستی ایران (و جهان) می بایست همچنان در پی پاسخ دقیق و علمی با آن تلاش بگیری از خود بیروزی و هند و سه این اعتبار که ما از بذورش سوسیالیسم سوسیال امپریالیسم محبت نمودیم." (ها نجا)

ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم در تحلیل از تاریخ معاصر جهان و ساختان سوسیالیسم به یان نرسیده است، ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از شکست و دستاوردهای انقلابات سوسیالیستی و از جمله انقلاب شوروی و چین دستاورد - های نوینی را به ارمغان آورده و راه پیروزی پرولتاریا را هموار تر خواهد ساخت. ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از چگونگی استقرار سرمایه داری در شوروی و سایر کشورهای رویزیونیست پرولتاریا را در نبرد علیه سرمایه مسلح تر خواهد نمود و مارکسیسم لنینیسم را غنا خواهد بخشید. مارکسیسم لنینیسم علم است و این علم در دست سرمایه داری و پرولتاریا و در جمع بندی از شکست و پیروزیها تکامل می یابد. مسائل مورد بحث این مسائل نیستند یا بدید مرکز ثقل انحراف رفقای رزمندگان در کجاست؟ باید دید این موضع "تحقیقی" رفقای رزمندگان موضعی پرولتری و در جهت ارتقا و بدولت و یک است یا موضعی متزلزل و غیر پرولتری در بر خورده رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و به این اعتبار باید دید آیا رفقای رزمندگان تروسوسیال امپریالیسم را قبول دارند یا ندارند؟

از دوا خارج نیست: به رزمندگان این تر را

یونیسم در شوروی و مجموعه تحولات ناشی از آن در عرصه روستا و زیربنای روستا نتواند درک کند. فلسفه شکاکیت را در سطح جنبش رواج میدهند. این جریان است و واقعیت سوسیال امپریالیسم شوروی را به زیر سوال برده و این واقعیت را از یک "حقیقت عینی" به یک مسئله قابل بررسی نزول میدهند. اکنون سوسیالیسم "حقیقت عینی" را نفی کرده و "میدانم" را در برابر آن قرار میدهند. این دیدگاه فلسفی که یک دیدگاه بورژواشی است با ایجاد شک در اذهان در باره "حقیقت عینی" زمینه را برای تجدید نظر فراهم آورده و از آنجا که حقیقت اصول دستاوردهای مارکسیسم لنینیسم را به زیر سوال میکشاند در برابر ما تریالیسم علمی قرار میگیرد.

در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم شظا هر پیدا کرده است. جریانهای مانند رفقای رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح منطقی مسئله بردارند. فقط فلسفه شکاکیت را راجع به سازماندهی و جنبش دامن تزلزلات رویزیونیستی را گسترش میدهند. این رفقا مطرح می - سازند با "پاسخ دقیق و علمی" برای "ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی و کشورهای مشابه آن" ارائه نمود (رزمندگان شماره ۷ - ۵۸/۱/۲۵)

جنبش دیدگاه و واقعیت ساخت امپریالیستی شوروی را نفی کرده و معتقد است پاسخ علمی در مورد ساخت اقتصادی شوروی موجود نیست. جنبش دیدگاههای عملاً دستاوردهای جنبش کمونیستی جهانی را در این مورد نفی کرده و مبارزه در رویزیونیستی احزاب و سازمانهای کمونیستی و نتایج حاصله از آن را در این مورد شخصی به هیچ میکشد.

در نزد رفقای رزمندگان در مورد مقوله سوسیال امپریالیسم دیدگاه فلسفی شکاکیت به دیدگاه اکو - نوینیستی پیوند میخورد. چگونه بنظر ما دیدگاههای که بجای حرکت از موضع سیاسی - ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی، از اقتصاد دو ویژگیهای آن حرکت کند یک دیدگاه اکو نوینیستی است. این دیدگاه اکو نوینیستی قبل از آنکه معنای طبقاتی استقرار رویزیونیسم در کشور سوسیالیستی را درک کند و تحولات طبقاتی را بر پایه کسب قدرت سیاسی توسط رویزیونیستها توضیح دهد، در پی آن است تا با ارفاق و اعشار اقتصاد شوروی را طبعی نماید. در جامعه سوسیالیستی مالکیت سوسیالیستی رابطه مستقیم و تنگاتی با حزب پرولتاریا و بدولت شوروی پرولتاریا را میباید برقرار می کند، مالکیت سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نخواهد داشت. بنا بر این می بایست نقطه حرکت خود در تحلیل از شوروی را تحلیل مسائل سیاسی ایدئولوژیک و تحولات طبقاتی ناشی از استقرار رویزیونیسم قرار داد. روشن است که بحث بر سر نفی اثبات اقتصاد سرمایه داری انحصاری شوروی نمی باشد. بحث بر سر نفی ارفاق و اعشار برای توضیح دقیق تر واقعیت امپریالیستی شوروی نمی - باشد. بحث بر سر راه و به نگرش کمونیستی با اکو نوینیستی می باشد. بحث بر سر موضع تعرضی و پرولتری یا موضع متزلزل، یا سیو غیر پرولتری می باشد. بحث بر سر نقد دیدگاههای است که در بر خورده مقوله سوسیال امپری -

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم